



وزارت معارف

معینیت تضمین کیفیت

ریاست امتحانات معیاری و ارزیابی نتایج تعلیمی

گزارش ارزیابی سطح یادگیری تعلیم و تربیه اسلامی شاگردان
صنف نهم ۹ ولایت سردسیر در سال تعلیمی ۱۴۰۴

فهرست مطالب

۱.....	۱. معلومات کلی ارزیابی
۲.....	۲. خلاصه اجرایی
۳.....	۳. مقدمه
۳.....	۴. اهداف ارزیابی
۳.....	۵. چارچوب و معیارهای ارزیابی
۱۱.....	۶. روش تطبیق:
۱۲.....	۷. تحلیل معلومات
۲۶.....	۸. تحلیل و تفسیر نتایج
۳۰.....	۹. تفسیر نتایج
۳۱.....	۱۰. پیشنهادات
۳۳.....	۱۱. ضمائم

فهرست جداول

- جدول (۱) معلومات کلی ارزیابی ۱
- جدول (۲) شکل گیری رفتار اسلامی در زندگی فردی و اجتماعی ۵
- جدول (۳) سطوح شناختی و تعاریف آن در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی ۹
- جدول (۴) وضعیت عمومی نمرات شاگردان در ارزیابی مضمون تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم ۱۳
- جدول (۵) چگونگی توزیع نمرات تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم و عملکرد شاگردان ۱۴
- جدول (۶) تحلیل سطوح شناختی شاگردان در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی ۱۵
- جدول (۷) درجه تحصیل معلم تعلیم و تربیه اسلامی بر اساس ولایت ۱۶
- جدول (۸) رشته تحصیل معلم تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم به تفکیک ولایت ۱۸
- جدول (۹) تجربه تدریس معلمان ۱۹
- جدول (۱۰) تجربه تدریس معلمان براساس ولایت ۲۰
- جدول (۱۱) میزان تأثیر عوامل تدریسی و مدیریتی بر یادگیری از نظر معلمان ۲۱
- جدول (۱۲) تأثیر مشکلات عمده مکاتب بر یادگیری ۲۳
- جدول (۱۳) تأثیر روش های تدریس معلم بر یادگیری ۲۴
- جدول (۱۴) ولایاتی که نمره و عملکرد برابر یا بالاتر از اوسط عمومی داشته اند ۲۴
- جدول (۱۵) ولایاتی که نمره و عملکرد پایین تر از اوسط عمومی داشته اند ۲۵
- جدول (۱۶) سطح عملکرد شاگردان صنف نهم در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی ۲۶
- جدول (۱۷) اوسط پاسخ های صحیح به تفکیک موضوعات درس تعلیم و تربیه اسلامی ۲۷
- جدول (۱۸) اوسط نمرات تعلیم و تربیه اسلامی شاگردان براساس ولایت ۲۸
- جدول (۱۹) مقایسه بین مکاتب امارتی و خصوصی ۲۸
- جدول (۲۰) نمره سطوح شناختی شاگردان ۲۹

فهرست شکل ها

شکل (۱) منحنی توزیع نمرات تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم شاگردان در ۹ ولایت سردسیر ۱۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

۱. معلومات کلی ارزیابی

جدول (۱) معلومات کلی ارزیابی

معلومات عمومی	
موضوع	ارزیابی سطح یادگیری تعلیم و تربیه اسلامی شاگردان صنف نهم ۹ ولایت سردسیر در سال تعلیمی ۱۴۰۴
ساحه تطبیق (ولایت /ولسوالی/حوزه تعلیمی /مکتب)	شهر کابل، ولایت کابل، پنجشیر، بغلان، سمنگان، بلخ، هرات، غزنی و بامیان
سال تطبیق	ماه عقرب ۱۴۰۴
مدت زمان تطبیق	۱۷ روز
صنف	صنف نهم
مضمون	تعلیم و تربیه اسلامی
اندازه جمعیت آماری، تعداد و مشخصات نمونه های مشاهده شده	جامعه آماری این ارزیابی تمامی شاگردان صنف نهم ۹ ولایت سردسیر می باشد. براساس احصائیه سال تعلیمی ۱۴۰۴ تعداد شاگردان حاضر صنف نهم در این ۹ ولایت ۲۹۱۰۷۹ تن می باشد. از میان جامعه آماری تعداد ۳۵۳۱ تن شاگرد صنف نهم بعنوان نمونه تعیین گردید. در هر ولایت، (۲) ولسوالی با مرکز ولایت بصورت تصادفی انتخاب گردید و در هر ولسوالی، (حداقل ۴) باب مکتب و در هر مکتب، (۲۲) تن شاگرد در این ارزیابی شامل گردیدند. بیشترین شاگردان از ولایت بلخ (۱۵٪) و کمترین شاگردان از ولایت های پنجشیر و سمنگان (۶٪) بوده اند.
ابزارهای جمع آوری معلومات	ابزارهای مورد استفاده در این ارزیابی عبارت بودند از: سوالنامه ارزیابی تعلیم و تربیه اسلامی، پرسشنامه های نظرخواهی و مصاحبه انفرادی با شاگرد، معلم و مدیر مکتب.
شیوه یا روش تطبیق	
اجرای ارزیابی تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم توسط تیم ارزیابی	ارزیابی تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم در قالب سوالنامه چاپی تهیه و به شاگردان در صنف توزیع گردید. در سوال نامه از انواع مختلف سئوالات (چند گزینه ای، صحیح و غلط، وصل کردنی، خانه خالی و تشریحی) استفاده شده بود. برای هر سوال وقت و نمره مشخص تعیین گردیده بود و در مجموع (۹۰) دقیقه وقت برای حل سئوالات ارزیابی به شاگردان داده شد. ارزیابی مستقیماً توسط هیأت ارزیابی ریاست امتحانات معیاری در صنف درسی مکتب مربوطه از شاگردان اخذ و تمامی پارچه های ارزیابی بصورت شفاف و دقیق جمع آوری گردید.
نظرخواهی از مسئولین مکتب	به هدف جمع آوری معلومات بیشتر در مورد مشکلات موجود در مکتب، عوامل مؤثر بر یادگیری و راه های بهبود کیفیت تدریس و یادگیری از طریق پرسشنامه و مصاحبه از (۱۳۳) تن معلم تعلیم و تربیه اسلامی و (۱۸۷) تن مدیر مکتب نظرخواهی صورت گرفت که نتایج آن در گزارش تحلیل و ارائه گردیده است. همچنین، بخاطر سنجش میزان علاقه شاگردان به مضمون تعلیم و تربیه اسلامی و کسب معلومات در مورد جریان تدریس و یادگیری این مضمون به (۳۷۰) تن شاگرد، پرسشنامه توزیع و با آنها مصاحبه صورت گرفت.

۲. خلاصه اجرایی

ارزیابی سطح یادگیری تعلیم و تربیه اسلامی شاگردان صنف نهم به هدف سنجش میزان «درک مفاهیم اساسی، مهارت‌های علمی، توانایی کاربرد آن در حل مسائل و تحلیل موضوعات» با استفاده از یک ارزیابی واحد در ۹ ولایت سردسیر انجام شد تا بتواند تصویر واقعی از وضعیت یادگیری شاگردان ارائه نماید.

ارزیابی تعلیم و تربیه اسلامی بعنوان ابزار اصلی ارزیابی بخاطر سنجش اعتبار و پایایی در ۱۰ باب مکاتب شهر کابل (۱۲۰) شاگرد به طور آزمایشی تطبیق و نهایی گردید. ۳۵۳۱ تن شاگردان صنوف نهم بعنوان نمونه نهایی در (۱۸۷) مکتب، (۱۸) ولسوالی و ۸ ولایت سردسیر طور تصادفی انتخاب گردید و از آنها ارزیابی بعمل آمد. براساس تحلیل های کمی، اوسط عمومی نمرات تعلیم و تربیه اسلامی شاگردان در سطح ۹ ولایت سردسیر، ۴۵.۶۹ از ۱۰۰ بدست آمد که در سطح نسبتاً پایین قرار دارد. انحراف معیار (۱۹.۱۱) نشان از پراکندگی و ناهمگونی بسیار زیاد بین نمرات شاگردان و عدم توازن در یادگیری در بین ولایات می باشد که ممکن است ناشی از عوامل و دلایل مختلف باشد.

بطور کلی، یافته های این ارزیابی نشان میدهد که سطح کلی یادگیری شاگردان در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی رضایت بخش نبوده و در بین ولایات تفاوت معنادار مشاهده می شود. در جریان پروسه، در مورد عوامل مؤثر بر یادگیری از مسئولین مکاتب و شاگردان نظرخواهی صورت گرفت. تحلیل ها نشان میدهد که ۹۰٪ معلمان دارای درجه تحصیل لیسانس و چهارده پاس بوده اند؛ ۸۲٪ معلمان مطابق رشته تدریس می نمایند؛ ۸۷٪ معلمان حداقل ۶ و حداکثر ۲۰ سال تجربه تدریس دارند؛ اما با وجود این، اوسط مجموعی نمرات شاگردان پایین تر از سطح مطلوب است.

تحلیل عوامل مرتبط به تدریس و مدیریت نشان میدهد که از میان عوامل مختلف، عامل **درک معلم از اهداف نصاب** با ۹۳٪، همکاری مدیر با معلمان با ۹۰٪ و موفقیت معلم در تطبیق پلان درسی با ۸۲٪ از نظر معلمان بالاترین تأثیر را بر یادگیری دارند. همچنین، از نظر آنها، تأثیر سایر عوامل بر یادگیری در حد متوسط می باشد.

نظرخواهی از مسئولین مکاتب و شاگردان در مورد مشکلات عمده در مکاتب و تأثیر آن بر یادگیری نشان میدهد که از نظر ۳۹٪ معلمان، مشکل «موجودیت بیش از حد شاگردان در صنف» در حد بسیار زیاد در مکاتب وجود دارد، از نظر ۳۲٪ معلمان در حد متوسط وجود دارد و از نظر ۲۹٪ دیگر، هیچ وجود ندارد. در مجموع، بیش از دو سوم معلمان به نوعی از ازدحام زیاد شاگردان در صنف شکایت دارند که این امر می تواند باعث کاهش توجه فردی به شاگردان، پایین آمدن کیفیت تدریس و دشواری در مدیریت صنف گردد.

همچنین، مشکل «زیاد بودن ساعات درسی معلمان»، از نظر ۴۱٪ معلمان به عنوان یک مشکل بسیار زیاد و از نظر ۲۵٪ تا حدی مشکل ارزیابی شده است. این یافته نشان می دهد که فشار کاری بالا بر معلمان می تواند سبب خستگی شغلی، کاهش انگیزه و در نهایت پایین آمدن کیفیت تدریس و یادگیری شود. به طور کلی، ازدحام شاگردان در صنوف و فشار کاری زیاد معلمان از جدی ترین مشکلات مکاتب ارزیابی شده به شمار می روند. در حالی که وضعیت ساختمان مکاتب نیز در سطح متوسط یک چالش همیشگی محسوب می شود. رسیدگی هدفمند به این مشکلات می تواند نقش مهم در بهبود محیط آموزشی و ارتقای کیفیت تدریس و یادگیری ایفا نماید.

در جریان نظرخواهی از معلمان، ۴۴٪ آنها ابراز داشته اند که از روش شاگرد محوری؛ ۲۴٪ از روش سخنرانی و ۲۰٪ از روش سوال و جواب در تدریس مضمون تعلیم و تربیه اسلامی استفاده می کنند. این در حالی است که در تدریس مضمون تعلیم و تربیه اسلامی بهتر است از ترکیب هر سه روش استفاده شود تا پروسه تدریس و یادگیری از مؤثریت و کیفیت بهتر برخوردار شود.

۳. مقدمه

ارزیابی و سنجش یادگیری از اساسی‌ترین ابزارهای تضمین کیفیت در نظام‌های تعلیمی محسوب می‌شود. در دوره ابتدایی، به‌ویژه صنف نهم، این موضوع اهمیت ویژه دارد؛ زیرا این صنف مرحله انتقال شاگردان از دوره متوسطه به دوره لیسه را شکل می‌دهد و میزان آمادگی علمی شاگردان برای سطوح بالاتر را مشخص می‌سازد.

صنف نهم نقش بنیادی در تثبیت و تعمیق مهارت‌های اساسی شاگردان دارد. هرگونه ضعف در این مرحله می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات پایدار یادگیری در دوره‌های بعدی گردد. با توجه به مشکلات مختلفی که نظام تعلیمی با آن روبروست، بدون شک، ضعف‌های زیاد در تدریس و یادگیری در این دوره وجود دارد که شناسایی آنها بدون انجام ارزیابی‌های منظم و دقیق از کیفیت تدریس و یادگیری امکان‌پذیر نیست. بنابراین، آنچه می‌تواند به وزارت معارف در شناسایی مشکلات یادگیری و یافتن راه حل‌های مؤثر و مناسب کمک کند؛ انجام ارزیابی‌های منظم از کیفیت تدریس و یادگیری در صنف نهم، دوره‌ها و مضامینی است که اساس و پایه یادگیری عمیق‌تر در دوره‌های بالاتر محسوب می‌شوند.

ارزیابی‌های تعلیمی می‌تواند معلومات معتبر برای اصلاح برنامه‌های درسی، بهبود روش‌های تدریس، ارتقای ظرفیت معلمان و طراحی برنامه‌های مؤثر تعلیمی فراهم سازد. بر همین اساس، ریاست امتحانات معیاری و ارزیابی نتایج تعلیمی وزارت معارف در سال ۱۴۰۴، پروسه ارزیابی سطح یادگیری تعلیم و تربیه اسلامی شاگردان صنف نهم ۹ ولایت سردسیر را راه‌اندازی نموده که گزارش تفصیلی آن ذیل‌ارایه می‌گردد.

۴. اهداف ارزیابی

هدف کلی این ارزیابی عبارت است از تعیین سطح یادگیری شاگردان صنف نهم ۹ ولایت سردسیر در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی.

اهداف اختصاصی این ارزیابی قرار ذیل اند:

- سنجش میزان تحقق اهداف تعلیمی مضمون تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم مطابق نصاب تعلیمی.
- تعیین سطح کلی درک، مهارت و توانایی عملی شاگردان در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی.
- شناسایی نقاط قوت و ضعف یادگیری شاگردان در حوزه‌های مختلف مضمون تعلیم و تربیه اسلامی
- مقایسه سطح یادگیری شاگردان در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی میان ولایات و میان مکاتب امارتی و خصوصی.

۵. چارچوب و معیارهای ارزیابی

ارزیابی یادگیری شاگردان، یکی از اساسی‌ترین ابزارها برای سنجش کیفیت و میزان تحقق اهداف تعلیمی به شمار می‌رود. در این میان، مضمون تعلیم و تربیه اسلامی بعنوان یکی از مضامین اساسی، نقش مؤثر در رشد معرفت دینی، تقویت ارزش‌ها و نگرش‌های اسلامی و شکل‌گیری رفتار اسلامی در زندگی فردی و اجتماعی^۱ شاگردان و آماده ساختن آنها برای یادگیری در سطوح بالاتر دارد.

^۱ نصاب تعلیمی ملی افغانستان، ۱۳۹۵ وزارت معارف

صنف نهم به عنوان آخرین مرحله تعلیمات متوسطه، جایگاه ویژه در تثبیت و تعمیق یادگیری مفاهیم پایه تعلیم و تربیه اسلامی و آماده ساختن شاگردان برای ورود به دوره لیسه دارد. براین اساس، تدوین یک چارچوب نظری منسجم و معیارهای شفاف برای ارزیابی یادگیری تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم، یک ضرورت علمی و آموزشی محسوب می شود.

اکنون با توجه به این ضرورت، چارچوب نظری و معیارهای ارزیابی مضمون تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم در این بخش طور خلاصه توضیح داده می شود. این چارچوب مسیر تحلیل نتایج را مشخص و زمینه اصلاح ارزیابی های بعدی و در نتیجه بهبود کیفیت ارزیابی ها را فراهم می سازد.

۵.۱ چارچوب نظری ارزیابی مضمون تعلیم و تربیه اسلامی

این ارزیابی بر اساس نظریه های سنجش آموزشی استوار بوده و ارزیابی به عنوان یک فرآیند نظام مند گردآوری، تحلیل و تفسیر معلومات تعریف می شود که میزان تحقق اهداف تعلیمی را مشخص می سازد.

چارچوب نظری و معیارهای ارزیابی مضمون تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم براساس سه منبع اساسی ذیل؛ طرح و تبیین گردیده است:

۱. نصاب تعلیمی ملی معارف افغانستان
۲. رهنمود ارزیابی نتایج تعلیمی وزارت معارف
۳. مبانی نظری ارزیابی مضمون تعلیم و تربیه اسلامی

اینک اجزاء اساسی چارچوب با توجه به منابع فوق، طور مختصر بیان می گردد:

۵.۱.۱ مطابقت با اهداف نصاب تعلیمی مضمون تعلیم و تربیه اسلامی:

بر اساس نصاب تعلیمی ملی افغانستان، مضمون تعلیم و تربیه اسلامی دارای اهداف ذیل می باشد:

- رشد معرفت دینی
- تقویت ارزش ها و نگرش های اسلامی
- شکل گیری رفتار اسلامی در زندگی فردی و اجتماعی

مطابقت و ارتباط میان اهداف مضمون تعلیم و تربیت اسلامی با اهداف ارزیابی و سنجش یادگیری، یکی از ارکان اصلی تضمین کیفیت تدریس و یادگیری است. بنابراین، ارزیابی ها باید در ارتباط و مطابقت با همین اهداف تعیین شده طراحی شوند. این ارتباط و مطابقت در بخش ذیل بصورت واضح توضیح داده شده اند:

۱. **رشد معرفت دینی:** این هدف به جنبه شناختی یادگیری شاگرد اشاره دارد. یعنی شاگرد چه چیزهایی را باید بداند؟ این یادگیری شامل دانستن مفاهیم، آیات، احادیث، احکام و تاریخ اسلام می شود. برای مثال، شاگرد صنف نهم باید بتواند شرایط و ارکان نماز را به درستی توضیح دهد.
۲. **تقویت ارزش ها و نگرش های اسلامی:** این هدف به جنبه عاطفی شاگرد در یادگیری مربوط می شود. به این معنا که شاگرد چه احساسی نسبت به این مفاهیم دارد؟ آیا راستگویی را دوست دارد و به آن به عنوان یک ارزش نگاه می کند؟ آیا انجام فرایض دینی برایش لذت بخش است؟ این سطح از یادگیری، درونی سازی ارزش ها است.

۳. شکل‌گیری رفتار اسلامی در زندگی فردی و اجتماعی: این هدف، جنبه روانی-حرکتی و به طور خاص، جنبه عملی و رفتاری را پوشش می‌دهد. شاگرد آنچه را که می‌داند و به آن باور دارد، در عمل فردی خود (مثلاً نماز خواندن) و در رفتار اجتماعی خود (مثلاً کمک به همصنفی و احترام به معلم) نشان می‌دهد.

بنابراین، ارتباط این اهداف با ارزیابی مضمون تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم باید به گونه‌ای باشد که ابزارهای سنجش ما بتوانند هر سه سطح دانش، نگرش و رفتار را پوشش دهند. اگر تنها به یک سطح (مثلاً سطح دانش) اکتفا کنیم، ارزیابی ما ناقص خواهد بود و به اهداف نهایی تربیت اسلامی دست نمی‌یابیم.

چگونگی این ارتباط در جدول ذیل طور واضح بیان شده است:

جدول (۲) شکل‌گیری رفتار اسلامی در زندگی فردی و اجتماعی

هدف اصلی	نمونه هدف برای صنف ششم	روش‌های مناسب ارزیابی	نشانه‌های تحقق هدف (شواهد یادگیری)
رشد معرفت دینی	شاگرد بتواند توضیح دهد که چرا راستگویی در اسلام اهمیت دارد و یک حدیث در این مورد بیان کند.	ارزیابی‌ها کتبی (تشریحی، چندگزینه‌ای)، پرسش شفاهی، فعالیت‌های پژوهشی ساده (مثل ارائه یک گزارش کوتاه)	نمره قبولی در ارزیابی، توانایی بازگویی دقیق مفاهیم و ذکر شواهد دینی.
تقویت ارزش‌ها و نگرش‌ها	شاگرد اعتقاد داشته باشد که راستگویی باعث آرامش روحی و اعتماد دیگران می‌شود و از دروغ گفتن احساس ناراحتی کند.	مشاهده رفتار شاگرد در صنف و وقت تفریح، گفتگوهای صمیمانه، خودسنجی (از شاگرد خواسته شود احساس خود را توصیف کند)، بررسی انشاها و دفترچه‌های خاطرات.	ابراز تمایل به راستگویی در صحبت‌ها، ابراز ناراحتی هنگام شنیدن داستان‌های دروغ، نوشتن مطالب عاطفی و انگیزشی درباره فواید راستگویی.
شکل‌گیری رفتار اسلامی	شاگرد در موقعیت‌های مختلف (مثلاً وقتی که انجام کارخانگی را فراموش کرده) راست بگوید که چرا کارخانگی را انجام نداده و دیگران را نیز به این کار تشویق کند.	مشاهده مستقیم رفتار (چک‌لیست)، گزارش همصنفی‌ها، بررسی موقعیت‌های واقعی یا شبیه‌سازی شده (مثلاً تمثیل نقش)، مصاحبه با والدین.	ثبت وقایع راستگویی توسط معلم، گزارش والدین از صداقت فرزند در خانه، واکنش صادقانه در موقعیت‌های غافلگیرکننده.

۵.۱.۲. مطابقت با حیطه‌های یادگیری و سطوح شناختی:

در مسوده رهنمود ارزیابی نتایج تعلیمی وزارت معارف، به استفاده از حیطه‌های اصلی یادگیری و سطوح شناختی بلوم در ارزیابی‌های شاگردان اشاره و تأکید شده است. استفاده از این حیطه‌ها و سطوح شناختی به جامعیت ارزیابی و اطمینان از اینکه ابعاد اساسی یادگیری در ارزیابی در نظر گرفته شده‌اند؛ کمک می‌کند. اگر آموزش صرفاً بر بعد شناختی متمرکز باشد (مثلاً حفظ معلومات)، یادگیری ناقص خواهد بود. در حالی که بسیاری از مضامین - مانند تعلیم و تربیه اسلامی، ساینس و ریاضی - علاوه بر دانش، به نگرش و مهارت عملی نیز نیاز دارند. بنابراین، در ارزیابی‌ها باید مشخص شود که کدامیک از این حیطه‌ها و سطوح شناختی مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار می‌گیرند تا متناسب با آن معیارها و ابزارهای لازم تهیه و طراحی گردند.

اهمیت دیگر استفاده از حیطه های یادگیری و سطوح شناختی در امکان تنظیم اهداف/از ساده به پیچیده است. این باعث می شود که از تمرکز بیش از حد بر حفظیات جلوگیری و یادگیری به سمت تفکر انتقادی و حل مسأله هدایت شود. در بسیاری از ارزیابی های تعلیمی مشاهده می شود که تمرکز عمدتاً بر سطوح پایین (حفظ و درک) است؛ در حالی که مهارت های عالی تر کمتر سنجیده می شوند.

استفاده از حیطه های یادگیری و سطوح شناختی به همراستایی و مطابقت بین اهداف، تدریس و ارزیابی کمک می کند. براساس نظریه همراستایی سازنده (Biggs, ۱۹۹۶)، هدف آموزشی باید در یکی از سطوح مشخص تعریف شود؛ روش تدریس باید متناسب با آن سطح انتخاب گردد و ابزار ارزیابی نیز باید همان سطح را بسنجد.

بعنوان مثال: اگر هدف ارزیابی «تحلیل عوامل آلودگی آب» باشد، این هدف مربوط به سطح تحلیل است؛ در این صورت استفاده از سؤال چهار گزینه ای مبتنی بر حفظ تعریف همراستا نیست.

در ارزیابی های معیاری و ملی، توزیع سئوالات براساس سطوح شناختی بسیار اهمیت دارد. بنابراین، استفاده از این حیطه ها و سطوح به بهبود اعتبار و روایی ارزیابی ها بسیار کمک می کند. بعنوان مثال، اگر ۸۰٪ سئوالات در سطح حفظ باشد، ارزیابی روایی محتوایی و ساختاری کافی نخواهد داشت. استفاده از جدول مشخصات ارزیابی براساس سطح شناختی باعث پوشش متوازن محتوا و مهارت و معنادار شدن شاخص های دشواری و تمایز سئوالات می شود.

سطوح بالای شناختی بخاطر ارتباط مستقیم با مهارت های حل مسأله، تصمیم گیری منطقی و خلاقیت باعث تقویت تحلیل و تفکر انتقادی در شاگردان می شوند. براین اساس، نظام تعلیمی ای که تنها بر «یادآوری معلومات» تأکید کند، توانایی تولید دانش و نوآوری را کاهش می دهد.

مزیت دیگر استفاده از حیطه های یادگیری و سطوح شناختی، کمک به طبقه بندی عملکرد شاگردان است. در تحلیل نتایج ارزیابی ها، دانستن اینکه ضعف شاگردان در کدام سطح شناختی است، بسیار مهم است. بعنوان مثال، آیا ضعف در سطح یادآوری است؟ یا ضعف در سطح کاربرد و تحلیل است؟ یافتن پاسخ به این سئوالات زمینه و مبنای اقدام دقیق آموزشی هدفمند را مهیا می سازد.

استفاده از این حیطه ها در مضامینی چون تعلیم و تربیه اسلامی بخاطر تأکید بر شناخت مفاهیم، پذیرش ارزش ها و عمل به احکام اهمیت بسیار دارد و هر سه بعد باید همزمان در نظر گرفته شوند. صرف دانستن احکام بدون گرایش و عمل، تحقق هدف تربیتی محسوب نمی شود.

بطور کلی، اهمیت استفاده از سه حیطه یادگیری و سطوح شناختی بلوم در چهار واژه خلاصه می شود که ارزیابی ها باید آنها را داشته باشند: جامعیت-عمق-همراستایی-کیفیت.

در ذیل، سه حیطه اصلی یادگیری و سطوح شناختی بلوم معرفی و توضیح داده می شود:

الف) حیطه های سه گانه یادگیری

بلوم و همکارانش یادگیری را در سه حیطه مجزا اما مرتبط طبقه بندی کردند که شباهت زیادی به اهداف سه گانه تعلیم و تربیت اسلامی دارد:

۱. **حیطه شناختی (Cognitive Domain)** مربوط به مهارت‌های ذهنی و دانش می‌شود. این حیطه دقیقاً معادل هدف اول مضمون تعلیم و تربیه اسلامی یعنی «رشد معرفت دینی» است. مثال: شاگرد چه می‌داند و چگونه فکر می‌کند؟
۲. **حیطه عاطفی (Affective Domain)** مربوط به احساسات، نگرش‌ها و ارزش‌ها می‌شود. این حیطه معادل هدف دوم یعنی «تقویت ارزش‌ها و نگرش‌های اسلامی» است. مثال: شاگرد چه احساسی دارد و به چه چیزهایی بها می‌دهد؟
۳. **حیطه روانی-حرکتی (Psychomotor Domain)** مربوط به مهارت‌های فیزیکی و عملی و معادل هدف سوم است. این حیطه به بخش عملی «شکل‌گیری رفتار اسلامی» مرتبط می‌شود. اگرچه رفتار اسلامی جنبه عملی و تصمیم‌گیری مبتنی بر ارزش‌ها را نیز شامل می‌شود. مثال: تا چه اندازه شاگرد آنچه را آموخته در عمل و رفتار خود نشان می‌دهد؟

ب) سطوح شناختی

سطوح شناختی بلوم یادگیری را در شش سطح سلسله مراتبی ذیل از ساده‌ترین به پیچیده‌ترین (مشکل‌ترین) طبقه‌بندی می‌کند:

۱. **به‌خاطر سپردن (Remember)**
بازیابی معلومات، تعریف مفاهیم، ذکر آیات، احادیث و اصطلاحات.
۲. **فهمیدن (Understand)**
توضیح دادن، تفسیر، خلاصه‌سازی، بیان مفهوم به زبان خود.
۳. **به‌کار بردن (Apply)**
استفاده از حکم یا اصل دینی در یک موقعیت جدید یا عملی.
۴. **تحلیل کردن (Analyze)**
تفکیک اجزا، تشخیص علت و معلول، مقایسه رفتارها با معیارهای دینی.
۵. **ارزشیابی کردن (Evaluate)**
قضاوت مبتنی بر معیار شرعی یا اخلاقی، داوری درباره درستی یک عمل.
۶. **ایجاد کردن (Create)**
ارایه طرح یا راه‌حل مبتنی بر اصول دینی و آموزه‌های اسلامی.

اینک با توجه به سطوح شناختی فوق، در ارزیابی مضمون تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم از کدام سطوح استفاده شده است؟

پاسخ کلی و مختصر به پرسش فوق این است که با توجه به شرایط تدریس و یادگیری در مکاتب افغانستان، ترکیبی متوازن از سطوح پایین و متوسط شناختی در این ارزیابی در نظر گرفته شده است، البته با تمرکز محدود و نسبی بر کاربرد و تحلیل.

علاوه براین، در تعیین اهداف ارزیابی و تهیه ابزارهای مورد نیاز، کوشش نهایی شده است تا توصیه‌ها و معیارهای ذیل کاملاً رعایت گردند:

^۲ طبقه‌بندی شناختی بلوم (Anderson & Krathwohl, ۲۰۰۱)

✓ در نظر گرفتن تناسب سنی شاگردان در انتخاب سطوح:

چون شاگردان صنف نهم (تقریباً ۱۴-۱۵ ساله) در مرحله عملیات صوری (بر اساس نظریه رشد شناختی پیاژه) قرار دارند. در این مرحله، توانایی‌های شناختی شاگردان به‌طور قابل توجهی پیشرفته‌تر می‌شود. بنابراین، ارزیابی باید فراتر از یادآوری ساده باشد و بر سطوح بالاتر شناختی با توجه به سن شاگردان به ترتیب ذیل تمرکز کند:

۱. تحلیل (ضروری است)

مثال: چرا صداقت و امانتداری مهم است؟

۲. ارزیابی (ضروری است)

مثال: یک عمل (مثلاً کمک به دیگران برای شهرت) را از نظر نیت و ارزش اسلامی ارزیابی کنید؟

۳. ایجاد (ضروری است)

مثال: برای کاهش دروغ‌گویی در میان نوجوانان راه حل پیشنهادی چیست؟

۴. کاربرد (مهم است)

مثال: چگونه می‌توان اصل امانت‌داری را در محیط مکتب عملی کرد؟

۵. فهمیدن (مهم است)

مثال: ایمان را توضیح دهید؟

۶. یادآوری (محدود)

مثال: ارکان اسلام را نام ببرید؟

بنابراین، ارزیابی بگونه‌ای طراحی شود که فقط حفظیات را نسنجد بلکه رفتار، نگرش و تصمیم‌گیری اخلاقی شاگرد را نیز ارزیابی کند.

همچنین، در یک ارزیابی معیاری خوب برای صنف نهم، بهتر است سئوالات برای هر سطح براساس توزیع ذیل اختصاص داده شود و نکات عملی ذیل در نظر گرفته شود:

- ۲۰٪ سئوالات به سطح دانش و فهمیدن اختصاص داده شود.
- ۳۰٪ سئوالات به سطح کاربرد اختصاص داده شود.
- ۵۰٪ سئوالات به سطوح تحلیل، ارزیابی و ایجاد کردن اختصاص داده شود.
- از تأکید صرف بر حفظیات خودداری شود.
- بر «تحلیل، ارزیابی و ایجاد کردن» بعنوان محور اصلی ارزیابی تمرکز شود.
- به کاربرد و قضاوت اخلاقی بطور محدود توجه شود.

۵.۱.۳ سطوح شناختی در ارزیابی مضمون تعلیم و تربیه اسلامی:

ارزیابی مضمون تعلیم و تربیه اسلامی باید با سطوح شناختی بلوم همخوانی و مطابقت داشته باشد. این سطوح و معیارهای آن در جدول ذیل آرایه شده است.

جدول (۳) سطوح شناختی و تعاریف آن در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی

تعریف در تعلیم و تربیه اسلامی	سطوح شناختی
حفظ تعاریف و بیان آن	یادآوری
توضیح مفهوم با مثال	درک مفاهیم
استفاده از آموخته‌ها در حل مسئله	کاربرد
حل مسئله چند مرحله‌ای	تحلیل و استدلال

۵.۱.۴ جایگاه صنف نهم در پروسه یادگیری:

صنف نهم یک مرحله انتقالی کلیدی بین دوره متوسطه و لیسه است. در این مرحله، شاگردان باید مفاهیم اساسی تعلیم و تربیه اسلامی مانند مفاهیم اعتقادی، فقهی، احکام، عبادات عملی و ... را بصورت پایدار و نسبتاً عمیق فرا گرفته و توانایی استفاده از آن را در حل مسائل متنوع کسب نمایند و برای آموختن تخصصی تر مفاهیم در دوره لیسه آمادگی حاصل نمایند.

۵.۱.۵ بخش های محتوایی تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم:

ارزیابی مضمون تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم باید تمام بخش های محتوایی برنامه درسی را پوشش دهد:

۱. ایمان و اخلاق اسلامی:

- توحید
- ایمان به ملائکه ها
- ایمان به کتب آسمانی
- ایمان به پیغمبران
- ایمان اندازه خیر و شر
- ایمان به زنده شدن بعد از مرگ

۲. عبادات:

- طهارت
- نماز
- روزه
- زکات
- حج

۳. سیرت و تاریخ اسلام:

- زنده گانی حضرت محمد صلی الله علیه وسلم
- زنده گی صحابه رضی الله تعالی عنهم

۴. قرآن و حدیث

- حفظ و فهم سوره ها
- حفظ احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم

۵.۲. معیارهای ارزیابی تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم

۵,۲,۱ معیارهای محتوایی

این معیارها میزان تسلط شاگرد بر مفاهیم اساسی تعلیم و تربیه اسلامی را مورد سنجش قرار میدهند و بررسی می کند که شاگرد چه چیزی را می داند.

معیارهای محتوایی شامل موارد ذیل اند:

- همسویی با نصاب تعلیمی
- دقت علمی و شرعی
- تعادل میان حفظیات و فهم
- رعایت اولویت های دینی

۵,۲,۲ معیارهای مهارتی

معیارهای مهارتی بر توانایی عملی شاگردان تمرکز داشته و شامل موارد ذیل می باشد:

- درک و بیان مفاهیم دینی
- مهارت تطبیق احکام در زنده گی
- مهارت تشخیص و تمیز

۵,۲,۳ معیارهای شناختی

این معیارها سطح تفکر و توانایی های ذهنی شاگردان را ارزیابی می کنند. شامل موارد ذیل اند:

- توانایی توضیح منطق و مراحل
- تحلیل مفاهیم و روابط تعلیم و تربیه اسلامی
- استدلال و نتیجه گیری صحیح
- تشخیص و اصلاح اشتباهات

۵,۲,۴ معیارهای عملکردی

معیارهای عملکردی، کیفیت پاسخ های شاگردان را مورد توجه قرار می دهند و شامل شاخص های ذیل اند:

- دقت و صحت پاسخ ها
- رعایت مراحل منطقی حل مسأله
- وضاحت، نظم و خوانایی پاسخ ها
- مدیریت مناسب زمان در حل مسأله

۵,۲,۵ معیارهای شایستگی

شاگرد صنف نهم زمانی به سطح مطلوب شایستگی می رسد که بتواند معیارهای ذیل را عملی نماید:

- مسائل روزمره را با استفاده از تعلیم و تربیه اسلامی حل نماید.
- استدلال تعلیم و تربیه اسلامی خود را به صورت روشن بیان کند.
- میان مفاهیم مختلف تعلیم و تربیه اسلامی ارتباط برقرار نماید.
- از دانش آموخته شده خویش در موقعیت های جدید استفاده کند.
- اشتباه خود را تشخیص و اصلاح نماید.

۵,۲,۶ ارتباط بین معیارهای ارزیابی و طراحی ارزیابی

طراحی ارزیابی های تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم باید مبتنی بر چارچوب نظری و معیارهای فوق بوده و توزیع متوازن سئوالات مطابق بخش های محتوایی و سطوح شناختی انجام شود. چنین ارزیابی هایی امکان تحلیل علمی نتایج، شناسایی نقاط قوت و ضعف شاگردان و ارایه بازخورد مؤثر به معلمان و تصمیم گیرندگان را فراهم می سازد.

۶. روش تطبیق:

۶.۱ جامعه آماری و نمونه گیری

جامعه آماری این ارزیابی تمامی شاگردان صنف نهم در ۹ ولایت سردسیر می باشد. براساس احصائیه سال تعلیمی ۱۴۰۴ تعداد شاگردان حاضر صنف نهم در این ۹ ولایت ۲۹۱۰۷۹ تن می باشد. از میان جامعه آماری تعداد ۳۵۳۱ تن شاگرد صنف نهم بعنوان نمونه تعیین گردید. در هر ولایت، (۲) ولسوالی با مرکز ولایت بصورت تصادفی انتخاب گردید و در هر ولسوالی، (حداقل ۴) باب مکتب و در هر مکتب، (۲۲) تن شاگرد در این ارزیابی شامل گردیدند.

بیشترین شاگردان از ولایت بلخ (۱۵٪) و کمترین شاگردان از ولایت های پنجشیر و سمنگان (۶٪) بوده اند.

۶.۲ ابزارهای ارزیابی

در این ارزیابی از سئوالنامه بعنوان ابزار سنجش استفاده گردید. سئوال نامه مجموعاً دارای ۱۵ سئوال و ۱۰۰ نمره بود و در آن از سئوالات چهارگزینه ای، صحیح و غلط، خانه خالی، وصل کردنی و تشریحی استفاده گردیده بود. سئوالات براساس نصاب تعلیمی رسمی معارف توسط متخصصین و بادر نظر داشت سطوح شناختی بلوم؛ طراحی و در چند مکتب بصورت آزمایشی تطبیق گردید. متناسب به حجم و سطح دشواری سئوالات به شاگردان ۹۰ دقیقه زمان برای پاسخ دهی و حل سئوالات داده شده بود.

به هدف جمع آوری معلومات بیشتر در مورد مشکلات موجود در مکتب، شناسایی عوامل مؤثر بر یادگیری و راه های بهبود کیفیت تدریس و یادگیری از طریق پرسشنامه و مصاحبه از (۳۱۳) تن معلم تعلیم و تربیه اسلامی و (۱۸۷) تن مدیر مکتب نظرخواهی صورت گرفت که نتایج آن در گزارش تحلیل و ارایه گردیده است.

همچنین، بخاطر سنجش میزان علاقه شاگردان به مضمون تعلیم و تربیه اسلامی و کسب معلومات در مورد جریان تدریس و یادگیری این مضمون، پرسشنامه نظرخواهی به (۳۷۴) تن شاگردان شامل ارزیابی، توزیع و با آنها مصاحبه صورت گرفت.

۶.۳ اعتبار و ثبات ابزار ارزیابی

به منظور اطمینان از اعتبار و ثبات نتایج ارزیابی، ابزار و ارزیابی توسط متخصصین ریاست امتحانات معیاری در ۱۰ باب مکاتب و ۱۲۰ تن شاگردان شهر کابل طور آزمایشی تطبیق و نتایج بدست آمده با استفاده از نرم افزار اس پی اس اس تحلیل گردید.

متخصصین ارزیابی ریاست امتحانات معیاری به هدف تعیین اعتبار یا همان توانایی ارزیابی در سنجش میزان تحقق اهداف آموزشی مورد نظر، سئوالات را با اهداف نصاب تعلیمی مقایسه نمودند. همچنین، بخاطر اطمینان از پوشش کامل محتوای مضمون در ارزیابی، محتوای سئوالات با سطوح شناختی بلوم مطابقت داده شد و از رعایت معیارها و شاخص های طراحی سئوال مانند: فیصدی توزیع موضوعات، تناسب سنی، سطح دشواری و غیره اطمینان حاصل گردید.

به هدف تعیین ثبات ارزیابی یا میزان مشابهت و همسانی نتایج ارزیابی در موقعیت های مختلف، متخصصین ریاست امتحانات معیاری، معلومات حاصل از اجرای آزمایشی ارزیابی را با استفاده از برنامه اس پی اس اس تحلیل نمودند که در نتیجه مقدار آلفای کرونباخ به سطح ۰.۸۴ بدست آمد. سطح نسبتاً بالای آلفا و نزدیک به ۱ نشان میدهد که سئوالات ارزیابی از همسانی درونی قابل قبول برخوردار بوده و ابزار سنجش توانسته است سطح یادگیری شاگردان را به گونه ای پایدار و قابل اعتماد اندازه گیری نماید.

در مجموع، مقدار بالای آلفای بدست آمده و نظریات متخصصین نشان می دهد که ارزیابی تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم از اعتبار محتوایی مناسب و پایایی قابل قبول برخوردار بوده و نتایج به دست آمده از ارزیابی می تواند به عنوان مبنای معتبر برای تحلیل وضعیت یادگیری شاگردان، شناسایی نقاط قوت و ضعف آموزشی و اتخاذ تصمیم های اصلاحی در روند تدریس و یادگیری مورد استفاده قرار گیرد.

۷. تحلیل معلومات

این بخش به تحلیل ارقام و معلومات حاصل از اجرای ارزیابی مضمون تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم اختصاص یافته است. ارقام و معلومات پس از جمع آوری، تصفیه و تنظیم، با استفاده از روش های آماری توصیفی مورد تحلیل قرار گرفته اند تا تصویری روشن از سطح یادگیری شاگردان، الگوهای عملکرد و میزان تحقق اهداف آموزشی ارائه گردد. تمرکز اصلی این بخش بر بررسی نمرات عمومی، توزیع شاگردان بر اساس سطوح یادگیری و تحلیل عملکرد آنان در سطوح مختلف شناختی می باشد.

۷.۱ تحلیل عمومی نمرات شاگردان

مطابق جدول (۲)، حجم نمونه ی مورد ارزیابی برای سنجش سطح یادگیری مضمون تعلیم و تربیه اسلامی ۳۵۳۱ تن شاگردان صنف نهم بوده است. اوسط نمرات بدست آمده از ارزیابی، ۴۵.۶۹ می باشد. این مقدار نشان می دهد که سطح کلی یادگیری شاگردان به طور نسبی پایین تر از حد مطلوب بوده و تعدادی از شاگردان نتوانسته اند به حداقل قابلیت های تعریف شده در نصاب تعلیمی دست یابند. انحراف معیار ۱۹.۱۱ به معنای پراکندگی نسبتاً زیاد نمرات شاگردان می باشد. این موضوع نشان می دهد که در عملکرد شاگردان در این مضمون تفاوت معناداری وجود دارد؛ به گونه ای که بخشی از شاگردان نمرات بسیار پایین و بخشی دیگر نمرات نسبتاً بالاتری کسب کرده اند.

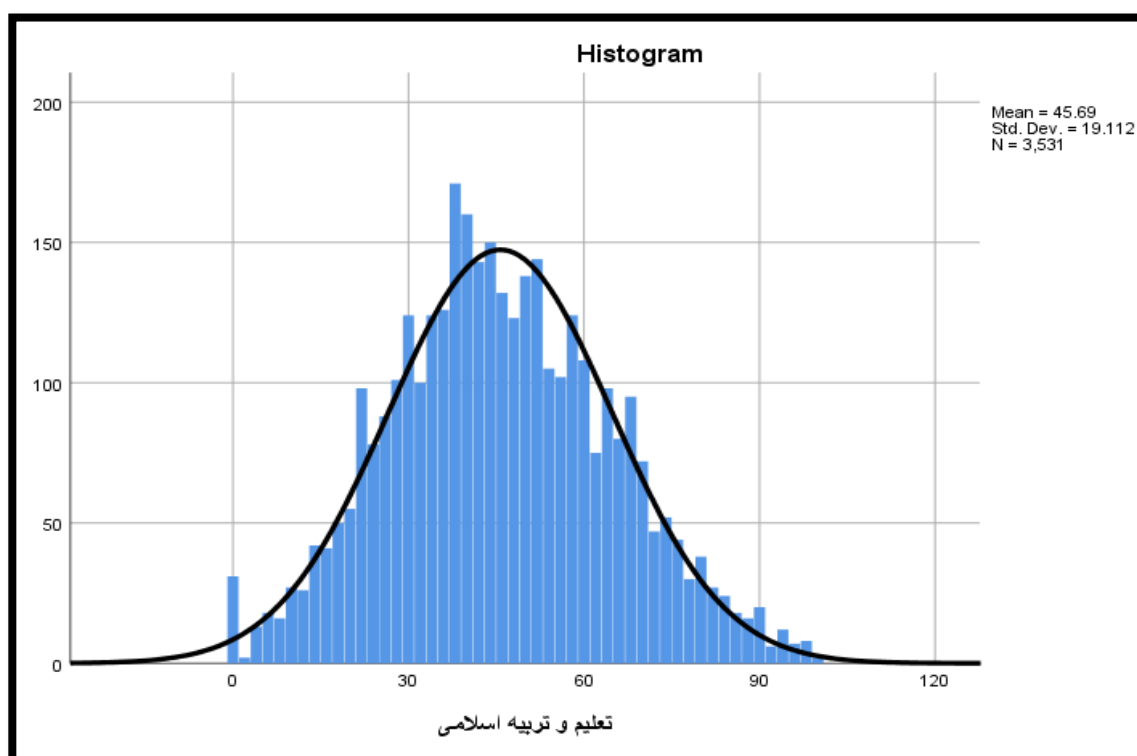
حداقل نمره کسب شده (جدول شماره ۲) نشان دهنده آن است که شماری از شاگردان هیچ پاسخ صحیحی ارائه نکرده اند یا به طور کامل در ارزیابی ناکام بوده اند. این وضعیت زنگ خطر جدی برای نظام تعلیمی محسوب می شود و مستلزم اتخاذ اقدامات فوری در این زمینه است.

در مقابل، حداکثر نمره کسب شده (۱۰۰) بیانگر این است که تعدادی از شاگردان توانسته‌اند به تسلط کامل بر محتوای مضمون دست یابند. با این حال، فاصله زیاد میان حداقل و حداکثر نمره نشان‌دهنده نابرابری شدید در سطح یادگیری شاگردان می‌باشد.

جدول (۴) وضعیت عمومی نمرات شاگردان در ارزیابی مضمون تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم

تعلیم و تربیه اسلامی	
۳۵۳۱	فراوانی معتبر
۴۵.۶۹	اوسط
۱۹.۱۱	انحراف معیار
۰	حد اقل
۱۰۰	حد اکثر

شکل (۱) منحنی توزیع نمرات تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم شاگردان در ۹ ولایت سردسیر



گراف فوق نشان می‌دهد که منحنی توزیع نمرات شاگردان نرمال بوده و اگرچه دم‌ها در دوطرف کاهش یافته‌اند اما توزیع کمی به سمت راست کشیده شده است. این نشان می‌دهد که تعداد کمی از شاگردان نمرات خیلی بالا کسب نموده‌اند. اوسط پایین نمرات (۴۵.۶۹) بیانگر این است که اکثریت در نمرات متوسط و پایین قرار دارند و یادگیری نسبتاً پایین‌تر از حد مطلوب است. در عین حال، انحراف معیار نسبتاً زیاد (۱۹.۱۱) تفاوت شدید در سطح عملکرد شاگردان را نشان می‌دهد که شاید بخاطر تفاوت در وضعیت اجتماعی-اقتصادی شاگردان و تفاوت در میزان تطبیق نصاب در مکاتب یا عوامل دیگر باشد.

با توجه به اینکه تمرکز عمده نمرات در سطوح پایین و میانه قرار دارد و بیشترین فراوانی نمرات، بین نمرات ۳۰ تا ۶۰ دیده می‌شود، این بدین معناست که اکثر شاگردان در سطح ضعیف تا متوسط قرار دارند.

بنابراین، بازنگری جدی در روش‌های تدریس، اجرای برنامه‌های حمایتی برای شاگردان ضعیف و بررسی کیفیت سئوالات لازم و ضروری پنداشته می‌شود.

توزیع شاگردان براساس سطوح عملکرد

در جدول (۳)، چگونگی توزیع نمرات شاگردان صنف نهم بر اساس سطوح عملکرد در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی نشان داده شده است که تفسیر آن به شرح زیر ارائه می‌گردد:

بررسی فیصدی‌ها در جدول ذیل نشان می‌دهد که بیشترین تمرکز شاگردان در سطح «پایین‌تر از حد مطلوب» قرار دارد؛ به‌گونه‌ای که ۱۳۵۱ شاگرد معادل ۳۸.۲٪ نمره‌ای کمتر از ۴۰ کسب کرده‌اند. این یافته بیانگر آن است که بیشتر از نصف شاگردان به حداقل معیارهای یادگیری تعلیم و تربیه اسلامی دست نیافته‌اند و در مهارت‌های پایه‌ای مانند درک مفاهیم، کاربرد و تحلیل با چالش جدی روبه‌رو هستند. این سطح از ضعف، عدم مؤثریت پروسه تدریس و یادگیری را در این مضمون نشان می‌دهد.

در سطح «نزدیک به حد مطلوب»، ۷۰۹ شاگرد معادل ۲۰٪ قرار دارند. این گروه اگرچه به حد معیار نرسیده‌اند، اما برنامه‌های جبرانی و تقویتی می‌توانند در مدت نسبتاً کوتاه به سطح مطلوب ارتقا یابند.

سطح «برابر با حد مطلوب» شامل ۱۰۷۲ شاگرد معادل ۳۰.۳۶٪ است. این شاگردان توانسته‌اند معیارهای اساسی یادگیری را برآورده سازند، اما فیصدی این گروه نشان می‌دهد که تحقق اهداف آموزشی تعلیم و تربیه اسلامی برای اکثریت شاگردان امکان‌پذیر نبوده است.

در نهایت، تنها ۳۹۹ شاگرد معادل ۱۱٪ در سطح «بالتر از حد مطلوب» قرار دارند. این فیصدی نسبتاً پایین، بیانگر آن است که سیستم تعلیمی در این ولایات در شناسایی، آموزش و حمایت از استعدادهای برتر تعلیم و تربیه اسلامی نیز عملکرد محدودی داشته‌اند.

در مجموع، توزیع شاگردان در سطوح عملکرد نشان می‌دهد که روند تدریس و یادگیری تعلیم و تربیه اسلامی به نوعی در سطوح پایین و متوسط متمرکز شده و سطوح عملکرد شاگردان چندان متوازن نیست.

جدول (۵) چگونگی توزیع نمرات تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم و عملکرد شاگردان

سطح عملکرد	محدوده نمره	تعداد شاگردان	فیصدی
پایین‌تر از حد مطلوب	۰-۳۹	۱۳۵۱	۳۸,۲۷٪
نزدیک به حد مطلوب	۴۰-۴۹	۷۰۹	۲۰,۰۸٪
برابر با حد مطلوب	۵۰-۶۹	۱۰۷۲	۳۰,۳۶٪
بالتر از حد مطلوب	۷۰+	۳۹۹	۱۱,۲۹٪
مجموعه		۳۵۳۱	۱۰۰٪

در مجموع بررسی سطوح عملکرد نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از شاگردان در سطوح پایین‌تر از معیار مورد انتظار قرار دارند، در حالی که فیصدی کمتری از شاگردان توانسته‌اند به سطوح بالاتر یادگیری دست یابند. این الگو بیانگر آن است که تحقق اهداف آموزشی تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم به‌گونه یکنواخت در میان شاگردان صورت نگرفته است.

۷,۲ تحلیل عملکرد شاگردان براساس سطوح مختلف شناختی

بررسی فیصدی پاسخ‌های صحیح در جدول (۴)، تحلیل سطوح مختلف شناختی نشان می‌دهد که عملکرد شاگردان به صورت تدریجی از سطوح پایین‌تر به سطوح بالاتر شناختی کاهش یافته است؛ الگویی که بیانگر غلبه یادگیری سطحی بر یادگیری عمیق می‌باشد.

در سطح یادآوری، شاگردان با ۶۰٪ پاسخ صحیح، بهترین عملکرد را داشته‌اند. این نتیجه نشان می‌دهد که شاگردان در به‌خاطر سپردن معلومات، تعاریف و قواعد اساسی تا حد قابل قبولی موفق بوده‌اند.

در سطح درک مفاهیم، فیصدی پاسخ صحیح به ۲۵٪ کاهش یافته است که بیانگر آن است که بخش قابل توجهی از شاگردان در تفسیر، توضیح و فهم مفاهیم درسی با دشواری مواجه‌اند و یادگیری آن‌ها عمدتاً بالاتر از حفظ مطالب شکل نگرفته است.

در سطح کاربرد و تحلیل، میزان پاسخ صحیح با ۱۵٪، کاهش بیشتر را نشان می‌دهد. این امر بیانگر ضعف شاگردان در به‌کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های جدید و مسائل عملی می‌باشد و نشان می‌دهد که میان دانش نظری شاگردان و استفاده عملی از آن در موقعیت‌های مختلف فاصله وجود دارد.

کمترین میزان پاسخ صحیح مربوط به سطح کاربرد و تحلیل با ۱۵٪ است. این یافته نشان‌دهنده ضعف جدی شاگردان در مهارت‌های کاربرد و تحلیل می‌باشد که از مهم‌ترین اهداف آموزش معاصر به‌شمار می‌رود.

جدول (۶) تحلیل سطوح شناختی شاگردان در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی

سطوح شناختی	فیصدی پاسخ صحیح
یادآوری	۶۰٪
درک مفاهیم	۲۵٪
کاربرد و تحلیل	۱۵٪

به‌طور کلی، نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که تمرکز آموزشی بیشتر بر سطوح پایین شناختی بوده و مهارت‌های تفکر عالی به اندازه کافی تقویت نشده است. این وضعیت ضرورت بازنگری در روش‌های تدریس، طراحی سؤالات معیاری و تأکید بیشتر بر فعالیت‌های تحلیلی، کاربردی و مسئله‌محور را برجسته می‌سازد.

۷,۳ تحلیل عوامل مؤثر بر تدریس و یادگیری مضمون تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم در ۹

ولایت سردسیر

به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر تدریس و یادگیری مضمون تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم در ولایات فوق، معلومات در مورد درجه تحصیل، مطابقت رشته و تجربه معلمان با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری گردید که نتایج آن در بخش ذیل ارائه و تحلیل می‌گردد:

۷.۴.۱ درجه تحصیل معلم

درجه تحصیل معلم، یکی از فکتورهای مهم در یادگیری شاگردان بحساب می آید. خلاصه نتایج بدست آمده از پرسشنامه در جدول (۵) نشان میدهد که ۶۷٪ معلمان تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم در ولایت های ارزیابی شده، دارای درجه تحصیل لیسانس، ۲۳٪ چهارده پاس، ۷٪ ماستر و ۳٪ دوازده پاس بوده اند.

در مجموع، وضعیت کلی درجه تحصیلی معلمان مضمون تعلیم و تربیه اسلامی با توجه به فیصدی های بدست آمده به شرح زیر است:

- اکثر معلمان دارای تحصیلات در سطح لیسانس اند.
- بیش از یک چهارم معلمان، حداقل معیارهای تحصیلی را دارا می باشند.
- فیصدی معلمان دارای تحصیلات ماستری بسیار محدود است.
- هنوز هم در بعضی مکاتب ولایات، معلمان دوازده پاس مضمون تعلیم و تربیه اسلامی را تدریس می کنند که ممکن است یکی از عوامل اصلی پایین بودن کیفیت تدریس و یادگیری مضمون تعلیم و تربیه اسلامی در مکاتب ارزیابی شده همین موضوع باشد.

بطور کلی، از نظر کمی وضعیت تحصیلی معلمان قابل قبول به نظر می رسد، اما از نظر کیفی، کمبود معلمان مسلکی هنوز هم احساس می شود.

جدول (۷) درجه تحصیل معلم تعلیم و تربیه اسلامی بر اساس ولایت

شماره	ولایت	درجه تحصیلی			مجموع معلمان مصاحبه شده که تعلیم و تربیه اسلامی تدریس می کنند.
		۱۲ پاس	۱۴ پاس	لیسانس	
۱	بامیان	۰٪	۱۷٪	۸۳٪	۶
۲	بغلان	۰٪	۳۳٪	۶۷٪	۱۲
۳	بلخ	۶٪	۱۷٪	۶۷٪	۳۰
۴	پنجشیر	۰٪	۲۹٪	۵۷٪	۷
۵	سمنگان	۰٪	۱۲.۵٪	۶۲.۵٪	۸
۶	شهرکابل	۵٪	۱۵٪	۷۵٪	۲۰
۷	غزنی	۱۳٪	۲۰٪	۶۷٪	۱۵
۸	هرات	۰٪	۳۲٪	۶۰٪	۲۵
۹	ولایت کابل	۰٪	۲۹٪	۷۱٪	۱۰
	مجموعه	۳٪	۲۳٪	۶۷٪	۱۳۳

تحلیل مقایسوی ولایات نشان میدهد که بامیان با (۸۳٪) ، شهر کابل با (۷۵٪)، ولایت کابل با (۷۱٪) و ولایت های بغلان، بلخ و غزنی با (۶۷٪) بالاترین سهم معلمان لیسانس را دارا می باشند. این ولایات از نظر سطح تحصیلات معلمان تعلیم و تربیه اسلامی در وضعیت نسبتاً خوبی قرار دارند.

در مقابل، ولایت سمنگان با (۶۲.۵٪)، هرات با (۶۰٪) و پنجشیر با (۵۷٪) به ترتیب پایین ترین میزان معلمان لیسانس را دارند.

در عین حال، ولایت های بغلان با (۳۳٪)، هرات با (۳۲٪)، پنجشیر با (۲۹٪) و غزنی با (۲۰٪) بیشترین میزان معلمان چهارده پاس مضمون تعلیم و تربیه اسلامی را دارند.

بیشترین سهم معلمان با تحصیلات ماستری مربوط به ولایت سمنگان (۲۵٪) و پنجشیر (۱۴٪) است. در ولایت های بامیان، بغلان، غزنی و ولایت کابل هیچ معلم مضمون تعلیم و تربیه اسلامی که دارای مدرک ماستری باشد؛ گزارش نشده است.

بیشترین سهم معلمان دوازده پاس برای این مضمون در ولایت غزنی (۱۳٪) و در شهر کابل (۵٪) مشاهده می شود. هرچند فیصدی پایین است، اما از نظر معیارهای استخدامی، قابل توجه و نیازمند رسیدگی است.

به طور کلی، معلمان تعلیم و تربیه اسلامی در این ۹ ولایت از نظر درجه تحصیل در وضعیت نسبتاً مطلوب قرار دارد، اما برای ارتقای کیفیت تدریس مضمون تعلیم و تربیه اسلامی، به ویژه در راستای بهبود یادگیری عمیق شاگردان، لازم است تا در بخش ارتقای تحصیلات و ظرفیت سازی مسلکی معلمان (شامل ورکشاپ های ارتقای ظرفیت و زمینه سازی تحصیل در دوره ماستری) سرمایه گذاری جدی صورت گیرد.

۷.۴.۲ تدریس مطابق رشته و خلاف رشته

رشته تحصیل معلم نیز یکی از عوامل مؤثر بر یادگیری و یکی از شاخص های کلیدی کیفیت تدریس محسوب می شود. تدریس تعلیم و تربیه اسلامی مطابق رشته تحصیلی معمولاً با تسلط مفهومی بهتر، انتخاب روش های تدریس مؤثرتر و ارزیابی دقیق تر یادگیری شاگردان همراه است. تدریس خلاف رشته می تواند یکی از عوامل مهم ضعف در درک مفاهیم انتزاعی؛ محدود ماندن تدریس در سطح حفظیات؛ و کاهش عملکرد شاگردان در سطوح شناختی بالاتر باشد.

براین اساس، معلومات مورد نیاز در جریان پروسه ارزیابی از طریق پرسشنامه از ۱۳۳ تن معلم در ۹ ولایت جمع آوری گردید. تحلیل کمی معلومات بیانگر این است که از مجموع (۱۳۳) تن معلمان مصاحبه شده مضمون تعلیم و تربیه اسلامی؛ ۸۱٪ آنها مطابق رشته تدریس می کنند. این فیصدی نشان می دهد که بین رشته تحصیلی معلمان و مضمونی که آنها تدریس می کنند؛ تطابق زیاد و قابل قبول وجود دارد که می تواند در بهبود کیفیت تدریس و یادگیری عمیق تر شاگردان نقش مؤثری داشته باشد.

جدول (۸) رشته تحصیل معلم تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم به تفکیک ولایت

شماره	ولایت	مجموع معلمین مصاحبه شده که تعلیم و تربیه اسلامی تدریس می کنند.	رشته تحصیل		
			تعداد مطابق رشته	% مطابق رشته	تعداد خلاف رشته
۱	بامیان	۶	۵	%۸۲	۱
۲	بغلان	۱۲	۱۰	%۸۳	۲
۳	بلخ	۳۰	۲۵	%۸۳	۵
۴	پنجشیر	۷	۵	%۷۱	۲
۵	سمنگان	۸	۷	%۸۷.۵	۱
۶	شهرکابل	۲۰	۱۸	%۹۰	۲
۷	غزنی	۱۵	۱۲	%۸۰	۳
۸	هرات	۲۵	۲۰	%۸۰	۵
۹	ولایت کابل	۱۰	۷	%۷۰	۳
مجموعه		۱۳۳	۱۰۹	%۸۱	۲۴

همچنین، مطابق جدول فوق، ۱۹٪ معلمان خلاف رشته تدریس می نمایند که رقم قابل توجهی است و نشان دهنده کمبود معلمین مسلکی یا توزیع نامتوازن معلمین در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی در برخی مکاتب ولایات مورد نظر می باشد. این وضعیت می تواند بر کیفیت تدریس، میزان درک عمیق مفاهیم علمی و تحقق اهداف یادگیری تأثیر منفی داشته باشد.

تحلیل مقایسوی ولایات، نشان میدهد که شهر کابل با (۹۰٪)، سمنگان با (۸۷.۵٪)، بلخ و بغلان (۸۳٪) و بامیان با (۸۲٪) (به ترتیب بالاترین سهم معلمین مطابق رشته را دارا می باشند که در وضعیت بسیار خوب قرار دارند.

اما، ولایت کابل با (۷۰٪) و ولایت پنجشیر با (۷۱٪) نسبت به هفت ولایت دیگر کمترین فیصدی معلمین مطابق رشته را دارند. در مجموع وضعیت تدریس مطابق رشته در کل در سطح این ۹ ولایت، ۸۱٪ می باشد. درحالی که مشکل تدریس خلاف رشته هنوز هم در مکاتب برخی ولایات بدلائیل مختلف تداوم دارد و حاکی از عدم توازن در توزیع نیروی مسلکی و متخصص بالعموم در معارف می باشد.

از طرف دیگر، حضور ۱۹٪ معلمان خلاف رشته نیز می تواند یکی از عوامل ضعف در درک مفاهیم انتزاعی؛ محدود ماندن تدریس در سطح حفظیات؛ و کاهش عملکرد شاگردان در سطوح شناختی بالاتر باشد.

اینک باتوجه به وضعیت فوق، اقدامات ذیل جهت ارتقای کیفیت تدریس و یادگیری تعلیم و تربیه اسلامی در مکاتب کشور بخصوص در ولایات ارزیابی شده، پیشنهاد می گردد:

- کاهش تدریجی تدریس خلاف رشته، به ویژه در ولایت های با فیصدی بالا؛
- اولویت دهی به جذب و جابه جایی معلمان متخصص تعلیم و تربیه اسلامی ؛
- برگزاری برنامه های ارتقای ظرفیت تخصصی برای معلمان خلاف رشته موجود.

۷.۴.۳ تجربه تدریس معلمان

حضور گسترده معلمان باتجربه در مکتب، از نظر انتقال دانش اساسی به شاگردان و مدیریت مؤثر پروسه تدریس و یادگیری در صنف، یک نقطه قوت و عامل مهم در بهبود کیفیت تعلیم محسوب می‌شود. با این حال، نبود توازن میان تجربه معلم و استفاده از روش های جدید تدریس، ممکن است سبب تداوم و افزایش استفاده از روش های قدیمی تدریس از سوی معلمان بجای انطباق پذیری با روش های جدید مانند شاگرد محوری، حل مسأله و ارزشیابی تکوینی در صنف گردد.

معلومات بدست آمده پیرامون تجربه تدریس معلمان تعلیم و تربیه اسلامی در ۹ ولایت شامل ارزیابی مندرج در جداول (۷) و (۸)، نشان میدهد که:

- بیشترین سهم مربوط به معلمان با سابقه ۶ الی ۱۰ سال (۳۵٪) است که نشان دهنده حضور قابل توجه نیروی بشری نسبتاً باتجربه در مکاتب مورد نظر می‌باشد.
- پس از آن، (۲۹.۸٪) معلمان با سابقه ۱۱ الی ۱۵ سال قرار دارند که سهم شان قابل توجه بوده و معمولاً در مرحله پختگی حرفه‌ای قرار دارند.
- (۱۹.۴٪) معلمان این مکاتب دارای ۱ الی ۵ سال سابقه تدریس می‌باشند که سهم شان نسبتاً پایین‌تر از گروه‌های باتجربه است.
- (۱۱.۹۴٪) معلمان دارای ۱۶ الی ۲۰ سال تجربه می‌باشند که بخشی از بدنه فعال تدریس در مکاتب این ولایات را تشکیل می‌دهند.
- معلمان با سابقه بالاتر از ۲۰ سال، (۳.۷۴٪) می‌باشد که سهم بسیار اندک را به خود اختصاص داده اند.
- و کمترین سهم مربوط به معلمان با سابقه کمتر از یک سال، (۰.۰۷٪) است که نشان می‌دهد ورود نیروهای کاملاً جدید به مکاتب این ولایات بسیار اندک و محدود بوده است.

در مجموع، ۶۵٪ معلمان در این ولایات از تجربه کافی و مناسب (حداقل ۶ و حداکثر ۱۵ سال) برخوردارند که اگر ۱۲٪ فیصد معلمانی که ۱۶ الی ۲۰ سال تجربه دارند را با آن جمع نماییم؛ این میزان به ۷۷٪ افزایش می‌یابد که وضعیت خوبی را در ولایات نشان میدهد.

اگرچه، این معلومات مشخص نمی‌کند که منظور از مدت تجربه تدریس، تدریس مطابق رشته است یا خلاف رشته. در مجموع، معلومات فوق نشان می‌دهد که ترکیب نیروی تدریسی مکاتب ارزیابی شده در ۹ ولایت مورد نظر، از لحاظ تجربه حرفه‌ای بوده و امکان قضاوت درباره توازن میان معلمان کم تجربه و باتجربه را فراهم می‌سازد.

جدول (۹) تجربه تدریس معلمان

سابقه کاری در بخش تدریس	
کمتر از یک سال	۰,۰۷ %
۱ الی ۵ سال	۱۹,۴ %
۶ الی ۱۰ سال	۳۵,۰۷ %
۱۱ الی ۱۵ سال	۲۹,۸۵ %
۱۶ الی ۲۰ سال	۱۱,۹۴ %
بالاتر از بیست سال	۳,۷۴ %
مجموعه	۱۰۰ %

جدول (۱۰) تجربه تدریس معلمان براساس ولایت

تجربه تدریس معلم						مجموع معلمین مصاحبه شده که تعلیم و تربیه اسلامی تدریس می کنند.	ولایت	شماره
بیشتر از ۲۰ سال	۱۶ الی ۲۰ سال	۱۱ الی ۱۵ سال	۶ الی ۱۰ سال	۱ الی ۵ سال	کمتر از ۱ سال			
۰	۰	۳	۱	۲	۰	۶	بامیان	۱
۰	۲	۲	۵	۳	۰	۱۲	بغلان	۲
۳	۶	۵	۶	۱۰	۰	۳۰	بلخ	۳
۱	۱	۲	۱	۲	۰	۷	پنجشیر	۴
۰	۴	۱	۲	۱	۰	۸	سمنگان	۵
۱	۰	۸	۵	۶	۰	۲۰	شهر کابل	۶
۰	۰	۳	۸	۴	۰	۱۵	غزنی	۷
۵	۰	۷	۸	۵	۰	۲۵	هرات	۸
۲	۲	۰	۴	۲	۰	۱۰	ولایت کابل	۹
۱۲	۱۵	۳۱	۴۰	۳۵	۰	۱۳۳	مجموعه	
۹٪	۱۱٪	۲۳٪	۳۰٪	۲۶٪	۰٪		فیصدی	

محاسبه مجموعی گروه‌های های مختلف تجربه معلمین شامل (گروه‌های ۱۱ الی ۱۵ سال، ۱۶ الی ۲۰ سال و بالاتر از ۲۰ سال) نشان میدهد که حدود ۴۳٪ معلمان دارای بیشتر از ۱۰ سال سابقه تدریس هستند.

این وضعیت نشان‌دهنده ثبات و تجربه بالا در نیروی تدریسی مکاتب ارزیابی شده است که می‌تواند به مدیریت بهتر صنف، انتقال مؤثر مفاهیم و شناخت عمیق‌تر از نصاب درسی کمک کند.

به‌طور کلی، سابقه کاری معلمان در این ولایات نشان‌دهنده تجربه بالا و استخدام محدود معلمین جوان است. این وضعیت در کوتاه‌مدت، ظرفیت بشری برای تدریس مضمون تعلیم و تربیه اسلامی را تأمین می‌کند، اما در بلندمدت نیازمند پلانگذاری برای جذب، تربیه و تقرر معلمان جدید می‌باشد.

۷.۵ تحلیل عوامل تدریسی و مدیریتی مؤثر بر یادگیری از نظر معلمان

در جریان ارزیابی با معلمان مکاتب شامل ارزیابی، در مورد میزان تأثیر عوامل تدریسی (موفقیت معلم در تطبیق پلان درسی، درک معلم از اهداف نصاب تعلیمی، انگیزه شاگردان برای یادگیری) و عوامل مدیریتی مؤثر بر یادگیری مانند (مشارکت والدین در فعالیت های مکتب و همکاری مدیر با معلمان) نظرخواهی صورت گرفت که نتایج آن در جدول ذیل ارائه گردیده است.

جدول (۱۱) میزان تأثیر عوامل تدریسی و مدیریتی بر یادگیری از نظر معلمان

تأثیر سایر عوامل بر یادگیری شاگردان	مقدار تأثیر	فیصدی موافقه معلمان
۱. موفقیت معلم در تطبیق پلان درسی	بالا	٪ ۸۵
	متوسط	٪ ۱۲
	پایین	٪ ۳
۲. درک معلم از اهداف نصاب تعلیمی	بالا	٪ ۸۸
	متوسط	٪ ۱۰
	پایین	٪ ۲
۳. مشارکت والدین در فعالیت های مکتب	بالا	٪ ۴۳
	متوسط	٪ ۳۰
	پایین	٪ ۲۷
۴. انگیزه شاگردان برای یادگیری	بالا	٪ ۷۲
	متوسط	٪ ۲۱
	پایین	٪ ۷
۵. همکاری مدیر با معلمان	بالا	٪ ۸۱
	متوسط	٪ ۱۵
	پایین	٪ ۴

یافته‌های نظرخواهی از معلمان ۹ ولایت ارزیابی شده، نشان می‌دهد که از دیدگاه آنها، برخی عوامل تدریسی و مدیریتی نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در بهبود یادگیری شاگردان دارند.

نخست درک معلم از اهداف نصاب تعلیمی با ۸۸٪ تأثیر بالا، بیشترین میزان موافقت معلمان را به خود اختصاص داده است. این موضوع نشان می‌دهد که آگاهی و فهم عمیق معلم از اهداف نصاب، پیش‌شرط اساسی برای تدریس مؤثر و جهت‌دهی درست به فعالیت‌های درسی محسوب می‌شود.

دوم، موفقیت معلم در تطبیق پلان درسی با ۸۵٪ تأثیر بالا، به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی شناخته شده است. این نتیجه بیانگر آن است که اجرای منظم و هدفمند پلان درسی، نقش مستقیم در تدریس و یادگیری منظم و تحقق اهداف یادگیری شاگردان دارد.

سوم، همکاری مدیر با معلمان با ۸۱٪ تأثیر بالا، یکی از مؤثرترین عوامل مدیریتی بر یادگیری شاگردان شناخته شده است. این نتیجه نشان می‌دهد که رهبری آموزشی مؤثر، حمایت اداری و همکاری نزدیک مدیریت با معلمان، زمینه‌ساز ارتقای کیفیت تدریس و یادگیری در مکتب می‌باشد.

چهارم، در مورد انگیزه شاگردان برای یادگیری، معلمان ۷۲٪ تأثیر بالا را گزارش کرده‌اند. این امر بیانگر این است که انگیزه شاگردان یک عامل مهم و چندبعدی است که در صورت تقویت، می‌تواند به بهبود حضور، مشارکت و یادگیری آنان منجر شود.

در نهایت، در مقابل، **مشارکت والدین در فعالیت‌های مکتب** از دیدگاه معلمان کمترین تأثیر را دارد؛ به‌گونه‌ای که ۴۳٪ آن را دارای تأثیر پایین ارزیابی کرده‌اند. این یافته می‌تواند نشان‌دهنده ضعف ارتباط مکتب و خانواده یا محدود بودن نقش عملی والدین در روند تدریس و یادگیری باشد.

به طور کلی، نتایج این جدول حاکی از آن است که عوامل مرتبط با **توانمندی حرفه‌ای و تدریسی معلم و حمایت مدیریتی** بیشترین تأثیر را بر یادگیری شاگردان دارند، در حالی که تقویت نقش والدین و افزایش انگیزه شاگردان نیازمند توجه و تدابیر هدفمندتر می‌باشد.

۷.۶ میزان موجودیت مشکلات عمده در مکتب از نظر معلمان

در این ارزیابی، از معلمان، در مورد میزان موجودیت مشکلات عمده در مکتب نیز نظرخواهی صورت گرفت که نتایج آن در جدول (۱۰) بطور خلاصه ارایه گردیده است.

جمع بندی نظریات معلمان نشان میدهد که از دیدگاه آنها، مکاتب ارزیابی شده با چالش‌های مهم زیربنایی و اداری مواجه‌اند که بر کیفیت تدریس و یادگیری شاگردان تأثیرگذار می‌باشند.

یکی از مشکلات موجود در مکاتب، **نامناسب بودن ساختمان مکتب است**، ۴۵٪ معلمان معتقد اند که این مشکل تا حدی وجود دارد، در حالی که ۳۵٪ آن را بسیار زیاد و ۲۰٪ عدم موجودیت این مشکل را گزارش کرده‌اند. این وضعیت نشان می‌دهد که هرچند همه مکاتب با بحران شدید زیربنایی روبه‌رو نیستند، اما تعدادی زیاد از آنها از نظر ساختمان و امکانات فیزیکی در شرایط مطلوب قرار ندارند.

مشکل عمده دیگر در مکاتب ارزیابی شده، **موجودیت بیش از حد شاگردان در صنف بوده**، ۴۰٪ معلمان این مشکل را بسیار زیاد و ۴۰٪ تا حدی موجود دانسته‌اند. در مجموع، بیش از دو سوم معلمان به نوعی از ازدحام زیاد شاگردان در صنف شکایت دارند که این امر می‌تواند باعث کاهش توجه فردی به شاگردان، پایین آمدن کیفیت تدریس و دشواری در مدیریت صنف گردد.

همچنین، در مورد **زیاد بودن ساعات درسی معلمان**، ۵۰٪ معلمان آن را به‌عنوان تا حدی مشکل دانسته‌اند و ۳۰٪ بسیار زیاد مشکل ارزیابی کرده‌اند. این یافته نشان می‌دهد که فشار کاری بالا بر معلمان می‌تواند سبب خستگی شغلی، کاهش انگیزه و در نهایت پایین آمدن کیفیت تدریس و یادگیری شود، باوجود این، ۲۰٪ معلمان این مشکل را اصلاً موجود ندانسته‌اند.

به طور کلی، نتایج جدول ذیل بیانگر آن است که **ازدحام شاگردان در صنف و فشار کاری زیاد معلمان** از جدی‌ترین مشکلات مکاتب به‌شمار می‌روند، در حالی که **وضعیت ساختمان مکاتب** نیز در سطح متوسط یک چالش همیشگی محسوب می‌شود. رسیدگی هدفمند به این مشکلات می‌تواند نقش مهم در بهبود محیط آموزشی و ارتقای کیفیت تدریس و یادگیری در این مکاتب ایفا نماید.

جدول (۱۲) تأثیر مشکلات عمده مکاتب بر یادگیری

مشکلات عمده در مکاتب ارزیابی شده	میزان موجودیت	نظر معلمان (%)
۱. نامناسب بودن ساختمان مکتب	بسیار زیاد وجود دارد.	٪ ۳۵
	تاحدی وجود دارد.	٪ ۴۵
	هیچ وجود ندارد.	٪ ۲۰
۲. موجودیت بیش از حد شاگردان در صنف	بسیار زیاد وجود دارد.	٪ ۴۰
	تاحدی وجود دارد.	٪ ۴۰
	هیچ وجود ندارد.	٪ ۲۰
۳. زیاد بودن ساعات درسی معلمان	بسیار زیاد وجود دارد.	٪ ۳۰
	تاحدی وجود دارد.	٪ ۵۰
	هیچ وجود ندارد.	٪ ۲۰

۷.۷ روش تدریس معلم

به هدف کسب معلومات در مورد روش تدریس معلم در صنف، از (۱۳۳) تن معلم مضمون تعلیم و تربیه اسلامی مصاحبه صورت گرفت تا معلوم گردد که معلمان بیشتر از کدام روش تدریس در تدریس این مضمون استفاده می کنند و اینکه آیا روش استفاده شده توسط معلمان، روش معیاری و مناسب است یا خیر؟

طوری که در جدول ذیل دیده می شود، بیشترین معلمان (۴۴٪) گفته اند که از روش شاگرد محوری در تدریس مضمون تعلیم و تربیه اسلامی استفاده می کنند. این امر نشان میدهد که بخش قابل توجه از معلمان در جریان تدریس به مشارکت فعال شاگردان در یادگیری و تعامل صنفی توجه دارند که یک شاخص مثبت بحساب می آید.

۲۴٪ معلمان گفته اند که از روش سخنرانی استفاده می کنند که بیانگر تداوم استفاده از روش معلم محور و قدیمی در برخی از صنوف درسی است.

۲۰٪ معلمان پاسخ داده اند که از روش سوال و جواب در تدریس استفاده می کنند که نشان دهنده تلاش معلمان برای ایجاد تعامل و سنجش میزان درک شاگردان در جریان تدریس می باشد.

در آخر، ۱۲٪ معلمان اظهار داشته اند که از روش ترکیبی در تدریس استفاده می کنند که این موضوع می تواند نشاندهنده نیاز به تقویت توانمندی معلمان در ترکیب مؤثر روش های مختلف تدریس متناسب با اهداف یادگیری و تفاوت های فردی شاگردان باشد.

به طور کلی، نتایج جدول حاکی از این واقعیت است که در ولایات ارزیابی شده، مکاتب بطور نسبی از روش های فعال و شاگرد محور در تدریس استفاده می کنند. اما همچنان ضرورت است که با تطبیق برنامه های آموزشی هدفمند، میان روش های تدریس و به ویژه استفاده از روش های ترکیبی و تعاملی در این مکاتب، توازن بیشتر ایجاد گردد.

مناسب‌ترین روش تدریس مضمون تعلیم و تربیه اسلامی در صنف نهم، استفاده از روش ترکیبی از سه روش فوق است که در آن، ارائه‌ی کوتاه معلم با فعالیت‌های شاگردمحور و سوال و جواب هدفمند ترکیب می‌گردد تا یادگیری مفهومی، مهارتی و تحلیلی به صورت متوازن تقویت شود.

جدول (۱۳) تأثیر روش های تدریس معلم بر یادگیری

روش های تدریس معلم	
شاگرد محور	٪ ۴۴
سخنرانی	٪ ۲۴
سوال و جواب	٪ ۲۰
روش ترکیبی	٪ ۱۲
مجموعاً	۱۰۰۰

۷.۸ بررسی تفاوت ها در سطح یادگیری مضمون تعلیم و تربیه اسلامی بین ولایات و عوامل مؤثر بر آن:

با توجه به تفاوت‌های معنادار بین نمرات شاگردان ولایات و بر اساس نظرات مسئولین مکاتب که در مصاحبه‌ها جمع‌آوری شده، عوامل زیر به عنوان دلایل کلیدی این تفاوت‌ها شناسایی شده‌اند:

جدول (۱۴) ولایاتی که نمره و عملکرد برابر یا بالاتر از اوسط عمومی داشته اند

شماره	ولایات	نمره کسب شده در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی	نمره اوسط عمومی
۱	ولایت کابل	۵۰.۹۵	۴۵.۶۹
۲	هرات	۵۰.۳۲	
۳	غزنی	۴۷.۷۳	
۴	بغلان	۴۵.۶۰	
دلایل و عوامل احتمالی			
<ul style="list-style-type: none"> وجود تعداد بیشتر معلمان مسلکی و دارای تحصیلات عالی و تجربه زیاد. همکاری قوی مدیر با معلمان، تطبیق مناسب پلان درسی، انگیزه خوب شاگردان 			

جدول (۱۵) ولایاتی که نمره و عملکرد پایین تر از اوسط عمومی داشته اند

نمره اوسط عمومی	نمره کسب شده در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی	ولایات	شماره
۴۵.۶۹	۴۴.۶۴	پنجشیر	۱
	۴۳.۹۹	شهر کابل	۲
	۴۲.۸۸	بلخ	۳
	۴۱.۸۹	سمنگان	۴
	۳۷.۱۵	بامیان	۵
دلایل و عوامل احتمالی:			
<ul style="list-style-type: none"> • تعداد زیاد شاگردان در صنف در ولایت های پنجشیر و بغلان • انگیزه ضعیف شاگردان و حمایت محدود مدیریت مکتب • ساعات درسی زیاد برای معلم • روش تدریس نامناسب • پایین بودن سطح تحصیلات رسمی بخشی از معلمان (کمتر از دوازده). • کمبود مواد درسی، مواد آموزشی و زیرساخت های فیزیکی مناسب. • در بامیان، مشکلات مرتبط با فصل سرما و دوری مسافت. 			

نتیجه کلی

نتیجه کلی ارزیابی سطح یادگیری شاگردان صنف نهم در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی نشان می دهد که با وجود تفاوت های نسبی میان ولایات، چهار ولایت بالاتر از اوسط عمومی یا برابر با آن، نمره کسب کرده اند که بیانگر یادگیری متوسط نزدیک به حد مطلوب است. در مقابل، پنج ولایت کمتر از اوسط عمومی نمره کسب کرده اند که بیانگر سطح یادگیری نسبتاً ضعیف در این ولایات می باشد.

براساس تحلیل معلومات بدست آمده، دلایل و عوامل احتمالی عمده که باعث شده برخی ولایات نمرات بالاتر از اوسط عمومی کسب نمایند عبارتند از میزان بالای معلمان مسلکی (۱۴ پاس و لیسانس)، میزان بالای تدریس مطابق رشته و میزان بالای معلمان با تجربه در ولایات مورد نظر.

همچنین، دلایل و عوامل احتمالی عمده مؤثر بر یادگیری از نظر معلمان و مدیران مکاتب ارزیابی شده عبارتند از: ساعات درسی زیاد برای معلم، تراکم زیاد شاگردان در صنف، انگیزه ضعیف شاگردان، استفاده از روش تدریس نامناسب و کمبود امکانات آموزشی در مکتب.

۸. تحلیل و تفسیر نتایج

۸.۱. اوسط مجموعی نمره تعلیم و تربیه اسلامی

اوسط مجموعی نمره شاگردان در این ارزیابی، ۴۵.۶۹ از ۱۰۰ محاسبه گردیده است. توزیع شاگردان براساس سطوح عملکرد به شرح جدول ذیل می باشد:

جدول (۱۶) سطح عملکرد شاگردان صنف نهم در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی

سطح عملکرد	محدوده نمره	تعداد شاگردان	فیصدی
پایین تر از حد مطلوب	۰-۳۹	۱۶۸۰	۴۹٪
نزدیک به حد مطلوب	۴۰-۴۹	۶۲۰	۱۸٪
برابر با حد مطلوب	۵۰-۶۹	۷۸۰	۲۳٪
بالتر از حد مطلوب	۷۰+	۳۳۵	۱۰٪

مطابق جدول فوق، ۴۹٪ شاگردان در سطح پایین تر از حد مطلوب قرار دارند. این وضعیت یک هشدار است و نشان میدهد که تقریباً نیمی از شاگردان به حداقل اهداف نصاب این مضمون دست نیافته اند. از نقطه نظر کیفیت، این وضعیت می تواند ناشی از عواملی چون کیفیت تدریس، دسترسی به امکانات آموزشی، کمیت و کیفیت منابع، ازدحام شاگردان، سطح دشواری ارزیابی و شرایط اجتماعی - اقتصادی و غیره باشد.

۱۸٪ شاگردان در سطح نزدیک به حد مطلوب قرار دارند. اگرچه، این گروه در حالت بحرانی قرار ندارند ولی در معرض خطر می باشند؛ بنابراین، برای رسیدن به سطح مطلوب نیاز به برنامه های تقویتی و تلاش بیشتر دارند.

در این میان، ۲۳٪ شاگردان توانسته اند به سطح برابر با حد مطلوب برسند. این میزان نشان میدهد که از هر ۴ شاگرد تقریباً ۱ نفر به معیارهای تعیین شده دست یافته است، حال آنکه انتظار می رود این میزان بالاتر باشد.

در آخر، ۱۰٪ شاگردان توانسته اند در سطح بالاتر از حد مطلوب قرار گیرند. این میزان نشان میدهد که نه تنها تعداد شاگردان با تسلط بالا در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی بسیار محدود بوده بلکه احتمالاً امکانات تعلیمی هم برای شاگردان به اندازه کافی فراهم نشده است.

در مجموع، می توان ادعا نمود که احتمالاً وضعیت یادگیری شاگردان ولایات فوق در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی در سطح نزدیک به حد مطلوب یا شاید پایین تر از آن قرار دارد؛ بنابراین، پیشنهاد می شود که علاوه بر توجه بیشتر به بهبود کیفیت تدریس و یادگیری شاگردان در این ولایات، تحقیقات و بررسی های علمی دقیق تر و جدی تر انجام شود تا عوامل اصلی ضعف یادگیری در این ولایات شناسایی گردند.

۸.۲ تحلیل پاسخ ها براساس محتوا

بر اساس اوسط فیصدی پاسخ‌های صحیح، سطح یادگیری شاگردان در موضوعات مختلف مضمون تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم متفاوت ارزیابی می‌گردد و نشان‌دهنده قوت‌ها و ضعف‌های مشخص در محتوای درسی است.

بیشترین میزان پاسخ‌های صحیح مربوط به عقاید با ۴۰٪ می‌باشد. این نتیجه بیانگر آن است که شاگردان در مفاهیم و محاسبات ابتدایی تعلیم و تربیه اسلامی از درک نسبتاً بهتری برخوردارند که می‌تواند ناشی از تمرین بیشتر و تأکید معلمان بر این بخش باشد.

نتایج مربوط به عبادات (۲۵٪) در سطح متوسط قرار دارد که نشان می‌دهد شاگردان در این موضوعات درک نسبی دارند، اما هنوز به سطح مطلوب یادگیری نرسیده‌اند. همچنین در سیرت (۲۰٪) در سطح پایین تر قرار دارند.

در مقابل، قرآن و حدیث ۱۵٪ کمترین اوسط پاسخ صحیح را به خود اختصاص داده است. این امر نشان‌دهنده ضعف جدی شاگردان در به‌کارگیری مفاهیم تعلیم و تربیه اسلامی در موقعیت‌های تحلیلی و عملی بوده و بیانگر فاصله میان یادگیری مفهومی و کاربرد عملی دانش تعلیم و تربیه اسلامی است.

به‌طور کلی، یافته‌ها حاکی از آن است که هرچند شاگردان در یادگیری مفاهیم پایه‌ای تعلیم و تربیه اسلامی عملکرد بهتری دارند، اما در مهارت‌های سطح بالاتر به‌ویژه در درک و تحلیل قرآن و حدیث با ضعف قابل توجه مواجه‌اند. این نتایج ضرورت بازنگری در روش‌های تدریس، تقویت آموزش مفهومی و افزایش تمرین‌های تحلیلی و عملی را برجسته می‌سازد.

اوسط فیصدی پاسخ‌های صحیح شاگردان به تفکیک موضوعات مختلف مضمون تعلیم و تربیه اسلامی در جدول ذیل آورده شده است.

جدول (۱۷) اوسط پاسخ‌های صحیح به تفکیک موضوعات درس تعلیم و تربیه اسلامی

موضوع محتوایی مضمون تعلیم و تربیه اسلامی	اوسط فیصدی پاسخ‌های صحیح
عقاید	۴۰ %
عبادات	۲۵ %
سیرت و تاریخ اسلام	۲۰ %
قرآن و حدیث	۱۵ %

۸.۳ تحلیل و مقایسه عملکرد شاگردان براساس ولایت

بر اساس معلومات جدول (۱۵)، اوسط نمرات شاگردان در ولایات مختلف تفاوت قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد که بیانگر نابرابری‌های آموزشی و تفاوت در سطح یادگیری شاگردان می‌باشد.

بالاترین نمره اوسط مربوط به ولایت کابل با (۵۰.۹۵) نمره است که نشان‌دهنده عملکرد نسبتاً بهتر شاگردان این ولایت در مقایسه با سایر ولایات می‌باشد. پس از آن، ولایت هرات با (۵۰.۳۲) نمره، ولایت غزنی با (۴۷.۷۳) نمره و بغلان با (۴۵.۶۰) نمره در رده‌های بعدی قرار دارند که بیانگر وضعیت متوسط رو به بالای یادگیری شاگردان در این ولایات است.

در مقابل، ولایت بامیان با (۳۷.۱۵) نمره پایین‌ترین اوسط نمرات را به خود اختصاص داده است که حاکی از ضعف جدی در سطح یادگیری شاگردان این ولایت می‌باشد. همچنان ولایت سمنگان با (۴۱.۸۹) نمره و ولایت بلخ با (۴۲.۸۸) نمره نیز در سطح پایین‌تری نسبت به اوسط مجموعی قرار دارند.

به طور کلی، محدوده تغییرات در اوسط نمرات از (۳۷.۱۵) نمره تا (۵۰.۳۲) نمره بیانگر تفاوت‌های تعلیمی میان ولایات است. این تفاوت‌ها می‌تواند ناشی از عواملی چون کیفیت تدریس، دسترسی به امکانات آموزشی، کمیت و کیفیت منابع، ازدحام شاگردان و شرایط اجتماعی - اقتصادی باشد. به هر حال، نتایج به‌دست‌آمده ضرورت تدابیر مشخص و فوری، طرح و اجرای برنامه‌های حمایتی و تقویتی برای شاگردان و تقسیم عادلانه‌تر منابع آموزشی را به‌ویژه در ولایات با میانگین نمرات پایین، بیش از پیش برجسته می‌سازد.

جدول (۱۸) اوسط نمرات تعلیم و تربیه اسلامی شاگردان براساس ولایت

شماره	ولایت	اوسط نمره
۱	ولایت کابل	۵۰.۹۵
۲	هرات	۵۰.۳۲
۳	غزنی	۴۷.۷۳
۴	بغلان	۴۵.۶۰
۵	پنجشیر	۴۴.۶۴
۶	شهر کابل	۴۳.۹۹
۷	بلخ	۴۲.۸۸
۸	سمنگان	۴۱.۸۹
۹	بامیان	۳۷.۱۵

۸.۴ مقایسه سطح یادگیری شاگردان صنف نهم مکاتب امارتی و خصوصی در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی

طوری که در جدول (۱۶) دیده می‌شود؛ حد اوسط نمره شاگردان صنف نهم مکاتب خصوصی در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی ۵۰,۷۲ و اوسط نمره شاگردان صنف نهم مکاتب امارتی ۴۰,۶۶ به دست آمده که اوسط نمره شاگردان مکاتب خصوصی نسبت به مکاتب امارتی تقریباً ۲۰٪ بیشتر است.

جدول (۱۹) مقایسه بین مکاتب امارتی و خصوصی

تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم	
اوسط نمره	نوعیت مکتب
۴۰,۶۶	امارتی
۵۰,۷۲	خصوصی

۸.۵ تحلیل سطوح شناختی شاگردان صنف نهم

بررسی فیصدی پاسخ‌های صحیح در سطوح مختلف شناختی نشان می‌دهد که عملکرد شاگردان به صورت تدریجی از سطوح پایین‌تر به سطوح بالاتر شناختی کاهش یافته است؛ الگویی که بیانگر غلبه یادگیری سطحی بر یادگیری عمیق می‌باشد.

در سطح یادآوری، شاگردان با ۴۰٪ پاسخ صحیح، بهترین عملکرد را داشته‌اند. این نتیجه نشان می‌دهد که شاگردان در به‌خاطر سپردن معلومات، تعاریف و قواعد اساسی تا حد قابل قبولی موفق بوده‌اند.

در سطح درک مفاهیم، فیصدی پاسخ صحیح به ۲۵٪ کاهش یافته است که بیانگر آن است که بخش قابل توجهی از شاگردان در تفسیر، توضیح و فهم مفاهیم درسی با دشواری مواجه‌اند و یادگیری آن‌ها عمدتاً بالاتر از حفظ مطالب شکل نگرفته است.

در سطح کاربرد، میزان پاسخ صحیح با ۲۰٪، کاهش بیشتر را نشان می‌دهد. این امر بیانگر ضعف شاگردان در به‌کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های جدید و مسائل عملی می‌باشد و نشان می‌دهد که میان دانش نظری شاگردان و استفاده عملی از آن در موقعیت‌های مختلف فاصله وجود دارد.

کمترین میزان پاسخ صحیح مربوط به سطح استدلال و تحلیل با ۱۵٪ است. این یافته نشان‌دهنده ضعف جدی شاگردان در مهارت‌های تفکر سطح بالا، تحلیل، استنتاج و حل مسائل می‌باشد که از مهم‌ترین اهداف آموزش معاصر به‌شمار می‌رود.

به‌طور کلی، نتایج این جدول نشان می‌دهد که تمرکز آموزشی بیشتر بر سطوح پایین شناختی بوده و مهارت‌های تفکر عالی به اندازه کافی تقویت نشده است. این وضعیت ضرورت بازنگری در روش‌های تدریس، طراحی سؤالات ارزیابی متوازن و تأکید بیشتر بر فعالیت‌های تحلیلی، کاربردی و مسئله‌محور را برجسته می‌سازد.

جدول (۲۰) نمره سطوح شناختی شاگردان

سطوح شناختی	فیصدی پاسخ صحیح
یادآوری	۴۰٪
درک مفاهیم	۲۵٪
کاربرد	۲۰٪
استدلال و حل مسأله	۱۵٪

۹. تفسیر نتایج

تفسیر کلی و نهایی نتایج ارزیابی این است که سطح کلی یادگیری شاگردان صنف نهم در مضمون (تعلیم و تربیه اسلامی) در حد مطلوب و رضایت‌بخش نیست. اوسط نمرات در تمام مضمون تقریباً ۵۰ است که بیانگر ضعف عمیق در یادگیری بوده و حاکی از آن است که در روند تدریس، عمدتاً بر حفظیات و تکرار تأکید شده و مهارت‌های استدلال، تحلیل و حل مسأله به اندازه کافی پرورش نیافته‌اند. همچنین، آموزش عمدتاً در سطوح اول و دوم حیطه شناختی (یادآوری و درک ابتدایی) متمرکز بوده و سطوح بالاتر مانند کاربرد، تحلیل ضعیف بوده‌اند.

۹.۱ نتایج و یافته‌ها

خلاصه نتایج و یافته‌های این ارزیابی قرار ذیل ارائه می‌گردد:

۱. سطح کلی یادگیری شاگردان صنف نهم در مضمون تعلیم و تربیه اسلامی پایین‌تر از حد مطلوب ارزیابی گردیده است.
۲. تفاوت‌های معنادار در سطح یادگیری شاگردان میان ولایات مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده نابرابری‌های تعلیمی است.
۳. تمرکز تدریس و یادگیری بیشتر بر سطوح پایین حیطه شناختی بوده و مهارت‌های کاربرد، تحلیل و حل مسأله به اندازه کافی تقویت نشده‌اند.
۴. شرایط تحصیلی معلمان، از جمله حضور معلمان با درجه تحصیلی دوازده پاس در برخی مکاتب، بر کیفیت تدریس و سطح یادگیری شاگردان تأثیرگذار بوده است.
۵. تطابق رشته تحصیلی معلمان با مضمون تعلیم و تربیه اسلامی در بسیاری موارد کامل نبوده و تدریس خلاف‌رشته مشاهده گردیده است.
۶. عوامل تدریسی و مدیریتی، به‌ویژه درک معلم از اهداف نصاب و میزان همکاری مدیر مکتب با معلمان، بر کیفیت تدریس تأثیر مستقیم داشته‌اند.
۷. مشکلات عمده مکاتب، از جمله ازدحام صنوف، فشار کاری معلمان و کمبود امکانات آموزشی، روند تدریس و یادگیری را متأثر ساخته است.
۸. استفاده از روش‌های نامناسب تدریس، یکی از عوامل اساسی ضعف یادگیری شاگردان محسوب می‌شود.

۱۰. پیشنهادات

اینک، برای هر یافته، پیشنهادات عملی ذیل ارائه می گردد:

۱. برای رسیدگی به پایین بودن سطح کلی یادگیری شاگردان در ولایات ارزیابی شده اقدامات ذیل پیشنهاد می شود:
 - تدویر «کورس های جبرانی و تقویتی» برای شاگردانی که زیر حد مطلوب قرار دارند؛ با تمرکز بر آموزش مفاهیم بنیادی مانند عقاید، قرآن و حدیث، عبادات سیرت و تاریخ اسلام.
 - تحلیل نتایج ارزیابی با تمرکز بر سوالات برای شناسایی دقیق ضعف های مفهومی.
 - در نظر گرفتن کارخانگی و تمرین بیشتر برای شاگردان.
۲. برای کاهش دادن نابرابری و تفاوت ها در یادگیری میان ولایات، اقدامات ذیل پیشنهاد می شود:
 - تخصیص بودجه و تجهیزات بیشتر برای ولایاتی که اوسط پایین تر دارند.
 - اعزام تیم های انکشاف مسلکی برای آموزش معلمان ولایاتی که عملکرد ضعیف داشته اند.
 - طرح و تطبیق برنامه های بهبود کیفیت برای ولایات بادر نظر داشت عوامل مربوطه.
 - راه اندازی برنامه های تبادل تجارب موفق بین ولایات
۳. برای تقویت مهارت های شاگردان در کاربرد، تحلیل و حل مسأله مضمون تعلیم و تربیه اسلامی، اقدامات ذیل پیشنهاد می شود:
 - آموزش معلمان در زمینه نحوه سؤال سازی معیاری و ارزیابی مهارت های مختلف یادگیری شاگردان در صنف.
 - الزامی ساختن استفاده از حداقل ۴۰٪ سوالات کاربردی و تحلیلی در ارزیابی های صنفی در ولایات.
 - شریک سازی بانک سوالات معیاری با مکاتب ولایات
 - ترویج و آموزش استفاده از روش های تدریس مبتنی بر حل مسأله در مکاتب.
۴. برای رسیدگی به مشکل حضور معلمان با درجه تحصیلی دوازده پاس در برخی مکاتب، اقدامات ذیل پیشنهاد می شود:
 - راه اندازی برنامه های ارتقای ظرفیت برای معلمان دوازده پاس مکاتب ارزیابی شده طور عاجل.
 - فراهم سازی زمینه ادامه تحصیل برای معلمان دوازده پاس و چهارده پاس از طریق اعطای مشوق ها و امتیازات.
 - مرتبط ساختن ارزیابی عملکرد معلمان به میزان یادگیری شاگردان.
۵. برای کاهش دادن فیصدی تدریس خلاف رشته در برخی مکاتب ولایات ارزیابی شده، اقدامات ذیل پیشنهاد می شود:
 - کنترل دقیق و جلوگیری از استخدام معلمان خلاف رشته در سطح ولایات بخصوص برای مضمون تعلیم و تربیه اسلامی

- برگزاری کورس های کوتاه مدت آموزش مضمونی برای معلمان خلاف رشته موجود و برحال مکاتب ارزیابی شده.
- استفاده از سیستم مدیریت معلومات معلمان و شاگردان برای تشخیص خلاف رشته و پلانگذاری بهتر توزیع معلمان بخصوص براساس نیاز رشتوی مکاتب ولایات.

۶. برای تقویت عوامل تدریسی مؤثر بر یادگیری بهتر شاگردان، اقدامات ذیل پیشنهاد می گردد:

- تدویر ورکشاپ های منظم آموزشی برای معلمان در زمینه معرفی اهداف نصاب و تحلیل شاخص های یادگیری
- تدویر برنامه های آموزشی منظم برای مدیران مکاتب در زمینه مدیریت و رهبری آموزشی مکاتب.
- راه اندازی نظارت های تعلیمی منظم و دوامدار بخصوص از مکاتب محروم با عملکرد ضعیف جهت حل مشکلات.
- راه اندازی جلسات منظم تحلیل وضعیت یادگیری شاگردان در سطح مکاتب از طرف مسئولین مکاتب و مردم محل.

۷. برای رسیدگی به مشکل ازدحام صنوف درسی، فشار کاری بر معلمان و کمبود تجهیزات، اقدامات ذیل پیشنهاد می گردد:

- کاهش ازدحام در صنوف از طریق اتخاذ اقدامات رسمی و جلب حمایت مسئولین ذیصلاح به سطح ولایت و مرکز وزارت.
- هماهنگی با ادارات و مسئولین ذیصلاح در مرکز ولایت و مرکز وزارت جهت رسیدگی به مشکلات مکاتب.

۸. برای ترویج استفاده از روش های شاگرد محور در مکاتب، اقدامات ذیل پیشنهاد می گردد:

- تدویر ورکشاپ آموزشی برای معلمان در زمینه روش های شاگرد محور مانند یادگیری مشارکتی، کارگروهی و حل مسأله.
- تهیه و شریک سازی الگوهای درسی نمونه برای تدریس مضمون تعلیم و تربیه اسلامی .

۹. برای تطبیق مؤثر یافته های این ارزیابی، سفارش می شود که اقدامات پیشنهادی فوق در قالب یک طرح سه ساله بهبود کیفیت تدریس تعلیم و تربیه اسلامی صنف نهم در ولایات تهیه و جهت منظوری و شمولیت در پلان عملیاتی سال های آینده به رهبری وزارت معارف پیشکش گردد.

ارزیابی ملی سطح یادگیری شاگردان صنف نهم

سوالات مضمون تعلیم و تربیه اسلامی گروپ الف

سوالات صحیح و غلط: در مقابل گزینه درست حرف (ص) و در مقابل گزینه غلط حرف (ع) را بنویسید. (8 نمره)

سوال ۱- عبدالرحمن بن صخر الدوسی ملقب به ابو هریره بود. ()

سوال ۲- روز قیامت بنترین انسان ها ذالوجهین هستند. ()

سوالات خاتمه خالی: جاهای خالی را با استفاده از کلمات داخل قوس (ضمامن، دفع ، لائمه، خوب) تکمیل نمایید. (18 نمره)

سوال ۳- الدین النصیحه قلنا لمن؟ قال الله و لکتابه و لرسوله و.....المسلمین و عامتهم.

سوال ۴- برطرف نمودن درگیری و منازعه از میان مردم کار.....است.

سوال ۵- ودیعت گیرنده که خیانت نکرده باشد..... نیست.

سوالات چند گزینه ای: جواب درست را حلقه کنید. (36 نمره)

سوال 6 - حکم حفظ و نگهداری مال امانت چیست؟

الف: لازم است ب: غیر لازم است ج: مباح است د: مکروه است

سوال 7 - پیامبر اکرم (ص) بین مهاجرین و انصار کدام پیمان را منعقد کرد؟

الف: خویشاوندی ب: تجاری ج: اقتصادی د: برادری

سوال 8 - نتیجه غزوه بدر چه بود؟

الف: پیروزی مشرکین ب: شکست مشرکین ج: پیروزی مسلمانان د: ب و ج درست است

سوال 9 - جزای رشوت دهنده و رشوت گیرنده چیست؟

الف: 100 شلاق ب: زندان ج: آتش دوزخ د: تبعید

سوال 10 - یاد گرفتن احکام اعتقادی و عملی که خداوند (ج) بنده گان را به آموختن آن مکلف نموده چه حکم دارد؟

الف: سنت است ب: لازم نیست ج: فرض است د: مستحب است

سوال ۱۱ - قریش جهت پیدا کردن نبی کریم (ص) چند شتر انعام تعیین نمودند؟

الف: شست شتر ب: پنجاه شتر ج: صد شتر د: هفتاد شتر

سوال وصل کردنی

سوال ۱۲ کلمات ذیل را با معانی آنها وصل کنید. (8 نمره)

1- لایحل مال امرئ مسلم الا من طیب نفس الف - مال پیدا شده ای که مالک آن معلوم نیاتند.

2- لقطه. ب - صلح بهتر و کار خوب است.

3- مزارعت. ج - مال یک شخص بدون رضایت وی حلال نیست.

4- والصلح خیر. د - آن را پاک می کند.

ه - زرع و یا روپائیدن.

سوالات تشریحی (30 نمره)

سوال ۱۳ - کفالت در مال چگونه به پایان می رسد؟ بیان نمایید.

سوال ۱۴ - شرایط محیل یا حواله کننده را بنویسید.

سوال ۱۵ - این حدیث مبارکه (عن معاذ ابن جبل رضی الله عنهما عن رسول الله (ص) قال: «اتق الله حیث ما کنت و اتبع السبیل الحسنه تمحها» را ترجمه نمایید.

سوالات مضمون تعلیم و تربیه اسلامی گروپ ب

سوالات صحیح و غلط: در مقابل سوال درست حرف (ص) و در مقابل سوال غلط حرف (غ) بنویسید. (8 نمره)

سوال ۱- خالد بن یزید انصاری خزرجی به نام ایوب انصاری شهرت داشت. ()

سوال ۲- در مورد اشخاصی که همیشه انسان را مدح و ستایش میکنند بی توجه باشیم. ()

سوالات خانه خالی: جاهای خالی سوالات ذیل را با استفاده از کلمات داخل قوس (خوب، ضامن، عامتهم، معلوم) تکمیل نمایید. (18 نمره)

سوال ۲- الدین النصیحه، قلنا لمن؟ قال لله و لکتایه و لرسوله و لائمة المسلمین و

سوال ۴- ودیعت گیرنده که خیانت نکرده باشد نیست.

سوال ۵- برطرف نمودن درگیری و منازعه از میان مردم کار است.

سوالات چند گزینه ای: جواب درست را حلقه کنید. (36 نمره)

سوال ۶- اگر شخصی بگوید: من قلان چیز را برای قلان شخص وصیت نمودم، تعریف کدام اصطلاح است؟

الف: وصیت مطلق ب: وصیت مقید ج: هیه د: ودیعت

سوال ۷- پیامبر اکرم بین مهاجرین و انصار کدام پیمان را منعقد کرد؟

الف: خویشاوندی ب: تجاری ج: اقتصادی د: برادری

سوال ۸- غزوه بدر با چه نتیجه ای خاتمه یافت؟

الف: پیروزی مشرکین ب: شکست مشرکین ج: پیروزی مسلمانان و شکست مشرکین د: هیچ کدام

سوال ۹- چه کدام یک از دلایل ذیل خداوند ج پنده بیکار را دوست ندارد؟

الف: سبب پیشرفت و ترقی دولت می شود

ب: سبب فقر و نادانی جامعه می شود

ج: سبب فقر و عقب ماندگی جامعه می شود

د: سبب جنگ می شود

سوال ۱۰- صمیمیت و الفت نشانه چیست؟

الف: احسان ب: ایمان ج: اسلام د: محبت

سوال ۱۱- حضرت پیامبر (ص) از توطئه قتل خود از جانب مشرکین، در دارالندوه توسط کی یا خیر شد؟

الف: حضرت اسراقیل ب: حضرت میکائیل ج: حضرت جبرئیل د: حضرت عزرائیل

سوال ۱۲- وصل کردنی: جملات ذیل را با معانی آنها وصل کنید. (8 نمره)

۱- من قتل دون دینه قهو شهید الف - کسی که به خاطر دفاع از جان خود کشته شود، شهید است.

۲- من قتل دون دمه قهو شهید ب - کسی که به خاطر دفاع از دین خود کشته شود، شهید است.

۳- من قتل دون ماله قهو شهید ج - کسی که به خاطر دفاع از ناموس خود کشته شود، شهید است.

۴- من قتل دون اهله قهو شهید د - کسی که به سرمال خود کشته شود، شهید است.

ه - کسی که به خاطر دفاع از وطن کشته شود شهید است.

سوالات تشریحی: (30 نمره)

سوال ۱۲- حکم عقد مضاربت را بیان نمایید؟

-

سوال ۱۴- حدیث مبارکه: « طلب کسب الحلال قریضة يعد الفریضة » را ترجمه نمایید؟

سوال ۱۵- وکالت چیست در یک سطر توضیح دهید؟